

- جنبش کارگری
- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- جنبش دهقانی
- حمله به مجاهدین خلق محکوم است
- صفحه ۳
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۷
- صفحه ۱۶

پس از خروج پاسداران:

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سنندج!



در سایه همبستگی
خلق کرد مبارز
سنندج
در تحصن خود
به پیروزی
رسیدند

صفحه ۶

کارگران پیکار قزوین:
کارگر زندانی،
دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور،
نوکر امپریالیسم

صفحه ۳

پروفسورهای "مسلمان"
یا مأمورین نیسیا!
● پروفسور "حامد الگار" دوست
آقای یزدی برای چه به ایران می آید؟

صفحه ۹

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش!

● حاکم شرع اصفهان حکم جادشی یک کارگر را (بدون ظالی) بخاطر عقاید سیاسی آن کارگر صادر کرد . صفحه ۸

نگاهی به سر مقاله کار شماره ۴۰:

امروز دفاع شرمگینانه، فردا...؟!

● تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان جریکهای فدایی خلق
و کودتای افغانستان

تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان جریک های فدائی خلق، ادا می
مشی و سیاست های غیرپروولتری گذشته این سازمان بوده و امروز نیکام
این گرایش انحطاطی به طرفداری و حمایت آشکار از سوسال امپریالیسم
کشیده شده است، زیرا این سازمان به تائید کودتای امپریالیستی شوروی
در افغانستان پرداخته است. سر مقاله "کار" شماره ۴۰ درباره رویداد
های اخیر افغانستان بیانگر چنین امری می باشد .
نقشه در صفحه ۱۰

زنگهای خطر برای چه کسانی بصدادر می آید؟

● نگاهی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری، با پیروزی بنی صدر در حالیکه پیش از
آترای ریخته شده در صندوقها را بخود اختصاص داده است، به پایان رسید.
نتایج آترای انتخابات گفتنی بسیاری در میان مردم و تمام نیروهای
سیاسی بوجود آورد. این نتایج بطور روشنی واقعیات سیاسی موجود در
ایران را از پس میاه و جادوهای تبلیغاتی دستجات حاکم، در جلوی
دیدگان مردم آشکار کرد و آنها را نسبت به آنچه که در جامعه جریان دارد،
تا حدودی واقف ساخت .
نقشه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سیدار محمد

رنگبای خطر...

حاجبانی محنت حاکم، که هر یک کا نبدانی را به صدمه می‌رساند، انتخاباتی فرساده بودند. اکنون می‌گویند به نظایر الحبل، از جناح انتخابات سود خود بهره‌گیری به موجد موفقت خود در این صحنه می‌رود و کسی که در این میان محمل شده اند، میرزا ارد، اما نام پلانی اینان، نمی‌تواند و انبساط آگاهی را که جناح انتخابات با روشنی تمام می‌باید، با حمله است، نبوده یکم دارد.

نتایج انتخابات را مختصراً مورد بررسی قرار دهیم

۱- مطابق آمار خود رژیم، در فروردین دوم قانون اساسی، حدود ۱۶ میلیون نفر، یعنی حدود ۷۲٪ از خاورس سراط، شرکت ور شدند. که این تعداد خود حسب دفتر آمار دوم ملی، که این کار ملا محسوسی را بران می‌داد، بحرماس و تهران دوم آرسوی غالب است. سیزدهای انتالی و کمونیست، نقش مهمی در این کار خیر، در داند ترا در یک کسدهایی گذاشت.

در انتخابات ریاست جمهوری، برخلاف رفتارندوم قانون اساسی، غالب نیروهای انقلابی و کمونیست، سادرس اعلام شرکت نموده و وارد صحنه مبارزه انتخاباتی شدند. شرکت این نیروها، بخودی خود می‌توانست بحسب غالب بوده‌های را که بحفاظ ذهنی رسته و امکان بحرماس انتخابات را دادا کنند، به شرکت در آن بکشد. و به این ترتیب بطور محسوسی سرعدها ترا در شرکت کسدها در انتخابات ریاست جمهوری، سیدار ارد، دوم ملی، سادرس، لنگی مدور فرمان "تقد"، سمنظر راج کسردن کا نبدانی مورد حمایت و ستمیایی نیروهای دموکرات و سرنی و سرنی نیروهای کمونیست - سمنظر راجی - این نیروها را سادرس ترا شرکت در انتخابات بحرماس با ح. حسن خرنکی آرسوی هشت تا کمه، این سرنو و لا حرم بوده عظیم بحسب نفوذ آنها را سمنسک بحرماس جاری سوز داد. اگر خداس سرنوهار در این سمنسک بحرماس سرنسعال وسی بحرنکی را اتحاد کردند و گو سندها اتحاد خود را شرکت در انتخابات را که سرنسها اتحاد در سمنسک عمل و سمنسک یک حبه کسندره سرنوهای انقلابی و سادرس سمنسک بود، در صحنه اصلی مبارزه و حول یک محور و امی انقلابی، حقی بخشد.

با این حال این وضعیت بوده و سمنی را از شرکت در انتخابات منصرف نمود. در سادرس، رخنه شده در صدوق ها بخودی خود می‌تواند، حجم عظیم این توده بحرماس کسدها را سمناسی بکدارد. در واقع از میان حدود ۲۲ میلیون حاجبانی سراط شرکت (مطابق آمار خود رژیم) حدود ۱۲/۱۵ میلیون نفر یعنی فقط حدود ۶۵٪ آنها در انتخابات شرکت حسند. که این رقم کمترین تعداد افراد شرکت کننده در ملی بکالسه حاکمیت رژیم را تشکیل می‌داد. اگر حتی مطابق آمار خود رژیم هم، فقط و سمناسی، در فروردین دوم جمهوری اسلامی ۹۸٪، در فروردین دوم قانون اساسی ۷۲٪ و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵٪ مردم شرکت کردند. در واقع این میزان در عرض ده ماه، ۳۳٪ و در عرض یکماه ۸٪

کا نبدانی است که بخوسی می‌تواند سرنسدها بنده آگاهی توده‌ها و سرعت فرور بخش توده توده‌ها را به سمناسی بکدارد. ۸۸٪ در عرض یکماه! این مقدار به خصوص از این نظر مهم است که توجه کنیم که در فروردین قانون اساسی، غالب نیروهای بورژوازی لیبرال و حرماسی ارتجاعی بورژوازی از یک موضع ارتجاعی با قانون اساسی به مخالفت برخاستند و در فروردین دوم شرکت نکردند. لیکن در انتخابات ریاست جمهوری این نیروها، وسیعاً و سمناسی و سرنو شرکت کردند و به خصوص در سمناسی رخنه سمناسی موضع گرفتند.

بسیار معلوم می‌شود که تحریم کنندگان، از میان رخنه‌های و قشرهای آگاه جامعه بوده اند و این حساب نسبت کمائی که از میان اینان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده اند با ۸۸٪ است. یعنی رخنه‌های ما در هفتمین مدت زمان کوتاه نیز با دکر فته اند که کمتر به رژیم و روشی جمهوری دل خوش کنند!

نظرات ضد انقلابی و اشاعه لیبرالسم بورژوازی خود سیدار زد. باری، گفتیم که روحانیت در صحنه مبارزه انتخابانی ریاست جمهوری، شکست بزرگی را متحمل شد که انعکاس افول سیاسی این بخش از هیئت حاکمه در طول زمان مداری رژیم جدید و جدائی تدریجی مردم از آن بود. در سمناسی پیشین پیکار، واقعیت این شکست را در طول انتخابات نشان دادیم. اکنون انعکاس آن را در نتایج آراء بدست آمده مورد نظر قرار می‌دهیم.

کاندید "مدرسین حوزه علمیه قم" تنها ۴/۵ درصد!

اصلی ترین پایه‌های قدرت روحانیت، که در مرکز آن "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" قرار دارد، از "حسن حبیبی" حمایت کردند و بدین ترتیب او را که بطور مستقل در انتخابات شرکت کرده بود، در

● مطابق آمار دولتی، در فروردین دوم جمهوری اسلامی ۹۸٪ درصد در فروردین دوم قانون اساسی ۷۲٪ درصد و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵٪ درصد مردم شرکت کردند که بخوسی می‌تواند مسیر رشد یابنده آگاهی توده‌ها را به نمایش گذارد.

● انتخابات، صحنه شکست روحانیت بطور کلی و حزب جمهوری اسلامی بطور اخص بود و این شکست نه تنها در طول انتخابات بلکه پس از اعلام نتایج آن نیز به روشنی نمایان گشت.

● علیرغم پشتیبانی "جامعه مدرسین قم" و حزب جمهوری اسلامی و آیت اله صدوقی (نماینده امام در یزد) از حبیبی، باز هم حبیبی در قم ۱/۱ و در یزد ۱/۱ بنی صدر رأی آورد.

شماره‌های "بی بضاعت" قلندار می‌شد، به میدان اصلی رقابت انتخاباتی پرتاب نمودند. بنا بر گزارشات، میدان رقابت بطور عمده در اختیار بنی صدر، حبیبی و مدنی قرار گرفت. با توجه به پشتیبانی روحانیت از "حبیبی" سمنظر میرسد که رقابت اصلی میان بنی صدر و حبیبی باشد و حتی انتخابات در دوران اول سمنسری سیده و به دور دوم کشانده شود. لیکن با اعلام نتایج انتخابات، در میان شکستی همه، نه تنها رقابت فشرده‌ای میان بنی صدر و حبیبی بوجود نیامد، بلکه "حبیبی" حتی نتوانست از نظر میزان آراء، مقام دوم را احراز نماید و سمناسی رخنه دوم را اشغال نمود. تعداد آراء ریخته شده در صدوق بنفع "حبیبی" مطابق آمار رژیم، ۶۷۶ هزار (حدود ۴/۵ درصد کل آراء) است و این درحالیست که رئیس جمهور منتخب - بنی صدر - حدود ۱۶ برابر و (۱۰/۷۵۰ میلیون رأی) و مدنی، یعنی نفر دوم، حدود ۳/۵ برابر و (۲/۲۴۱ میلیون رأی) را بخود اختصاص داده اند! استدلال و استگان روحانیت در این باره این است که شکست حبیبی در انتخابات، آثم با چنین آراء ناچیزی، ناشی از این بوده است که فاصله زمانی حمایت روحانیت، از حبیبی تا روز انتخابات بسیار محدود بوده است و این امر باعث شده که "حبیبی" نتواند آنطور که باید و بنا بدردن مردم جای گیرد و به تبلیغات وسیعی دست بزند. در حالی که بنی صدر

نوجه‌های سمنسری است که وضع و حال آیت اله خمینی در سمناسی و وپام اوبه مردم از سمناسی سنان مبنی بر شرکت فعال در انتخابات، و سمناسی تبلیغات وسیع و سابل ارتباط جمعی پیرامون این قضیه، نقش مهمی در کشاندن توده‌ها، به پای صدوق - های رأی ایفا نمود، توده‌های که بدین وسیله احسانات مذهبی و عاطفی شان به بازی گرفته شده و علیرغم ناراضی از هیئت حاکمه، تحت تاثیر همین احساسات بنی صدوق، های رأی کشانده می‌شدند.

۲- انتخابات، صحنه شکست روحانیت بطور کلی و حزب جمهوری اسلامی بطور اخص بود و این شکست نه تنها در طول انتخابات، بلکه پس از اعلام نتایج آن نیز به روشنی نمایان گشت. هر چند در دوران روحانیت نمایان گشت و حرماس و احادیکی سمناسی وجود ندارد. لیکن عملکرد حرماس حاکم نفوذ و قدرتمند روحانیت در ملی این مدت، سوزده آنها شیکه در سرنسرو حرماس، سمناسی سوزواری و قشر خرده - سوزواری و سمناسی را سمناسی میکروند، باعث شده که توده‌های مردم کل روحانیت را ز سرنسروال سرنسرو، سوزواری لیبرال سرنسرو این مدت گوشت تا با سرنسرو کردن خصوصیات عقب گرا بهانه و انحصار طلبانه کل روحانیت، سوزده حاکم - سوزواری آن، از آبا کل آلودماهی سرنسرو - ری لیبرال میکروند سرنسرو سمناسی متغای سمناسی درون روحانیت برده اند و بدین ترتیب با "نو" استفاده از سرناسی و نفرت مردم از این خصوصیات، به رواج

بقیه در صفحه ۱۳

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

اخبار کوتاه کارگری

کارگران بیکار قزوین:

کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور نوکرا امپریالیسم

کارگران بیکار قزوین بعد از ماه مبارز و بعد از اینکه دو نفر از نمایندگان نشان توسط رژیم حامی "مستحقان" به زندان افکنده شدند، روز سه شنبه ۹ بهمن در خانه کارگری اجتماع کرده و خواهان آزادی نمایندگان خود شدند. ولی از آنجا که مسئولان امور هیچ توجهی به خواست آنها نداشتند، کارگران تصمیم گرفتند که دست به یک راهپیمایی در سطح شهر بزنند. این راهپیمایی که حدود ۱۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، با حمایت مردم برپا شد. راهپیمایان فریاد میزدند: "کارگران آزاد، با پدگردد، کار برای بیکار را بجا بیا بگذرود" و "کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم، سرمایه دار مزدور، نوکرا امپریالیسم". این راهپیمایی بن اصدور یک قطعا نمایان یافت.

کارگران کوره پزی توکل اصفهان مبارزه خود ادامه میدهند

کارگران، بعد از چند بار اعتصاب برای تأمین حق بیمه، حق مرخصی، تعطیلی و اضافه دستمزد و گرفتن حداقل حقوق، از اول امسال مراجعات زیادی به اداره کار و استانداری... کردند و بعد از اینکه صاحب کوره پزی ادعا کرد که پول ندارد، کارگران خود تصمیم به توبلید آخر گرفتند. با وجود اینکه مقامات مربوطه از سرمایه دار دفاع می کردند، کارگران خود نظارت بر تولید را عهده دار شدند و سرمایه دار را گفتند: "گروفر رستمی بگذار ما هم صبر کنیم، نویسنده زندگی را داری و بچهار دوازده میکا درس میخواند ولی ما بچه ها بمان از کوچکی کار می کنند و ما حت کوره پزی که انتظار دید دست بدو بزنند زد و کارها را تعطیل کرد ولی کارگران تصمیم داشتند که کارخانه را بجا بماند و بگذرد خود اداره بماند.

"حزب توده" حزب ضد توده!

روز سه شنبه ۵۸/۱۰/۲۹ سربازان آموزش و پرورش و مدارس میا با دو حمله با طریقه حواس... های منفی خود در سانس فرمانداری دست به تخریب زدند. اخبار رسیده از میا با دتا روز ۵۸/۱۱/۸ حکایت از ادامه تخریب این زحمتکشان دارد. این تخریب با پشتیبانی کلبه گروها و سازمانهای امنیتی برپا شد. در عین حال هواداران حزب توده کینه کارگران و معلمان را بر نفوذ خود در این سرزمین مبنی خاشا نه این حزب از هیچگونه کارگری و اصلاح بر علیه زحمتکشان متضمن در فرمانداری در تخریب بقیه در صفحه ۴



مبارزه کارگران علیه اخراج و بیکاری ادامه دارد

دستمجمعی جلوی کارخانه ایرانی رفته و بشتیانی خود را از کارگران اخراجی اعلام کنند. حدود ۸۰ نفر از کارگران بیکار جلوی کارخانه ایرانی رفته و منتظر خروج کارگران از کارخانه شدند. یکی از کارگران بیکار پس از اعلام بشتیانی دسیه های کارفرما را افشا کرد و گفت اگر امروز این ۸۰ نفر را اخراج کنند فردا نوبت شماست. اگر جلوی اخراج کارگران را نگیرید، فردا از شرکت کارگران بیکار با مزد ۳۰ تومان استفاده خواهند کرد. کارگران بیکار روشا غل با بدیر علیه اخراج و بیکاری متحد شدند. با وجود کوشش فراوان رئیس مزدور کمیته برای تفرقه افکنی بین کارگران بیکار روشا غل، کارگران ایرانی با طرف کارگران بیکار را مدد و با هم ابراهیمبستی کردند. پس از آن کارگران به تجمع خود با ن دادند.

حرکت انقلابی کارگران بیکار کرج قدم کوچکی در راه اتحاد بین کارگران بیکار روشا غل است. کارگران بیکار روشا غل با بدی با وجود آوردن سندیکا - های واقعی خود جلوی اخراج کارگران را بگیرند. کارگران را بر ضد توطئه های سرمایه داران متشکل سازند. کارگران شاغل با بدی با بدی بیکاری در نظام سرمایه داری شری است که در خانه هر کسی میخواهد به همین جهت میا رزات انقلابی کارگران شاغل و بیکار را هم جدا نیست. (تلیخیص از اعلامیه ۵۸/۱۱/۱۰ حوزه کرج)

در تاریخ ۴ بهمن ماه شورای ضد کارگری کارخانه ایرانی ۸ نفر از کارگران مبارز کارخانه را اخراج کردند. علت اخراج این کارگران مبارزه - ای بود که آنها برای گرفتن حقوق اولیه کارگری - ان کرده بودند و در بنیاد پیش کارگران خواهان گرفتن حقوق منفی خود شده بودند. آنها در میا رزات کارگران برای گرفتن سود ویژه منحل کردن شورای قلابی و سایر حقوق کارگران فعالیت شرکت داشتند و کارگران را به مبارزه متحدانه بر علیه سرمایه - داران تشویق میکردند. شورای کارخانه که بنا زکی بعد از منحل شدن شورای قدیمی تشکیل شده است عمدتاً از افراد مددکارگر تشکیل شده است و کارگران مبارزی که در شورا هستند به دلیل وجود عنا صرغید کارگر نیست و مانند کارگری از پیش ببرند. اخراج کارگری - ان مبارزه به تحریک کارمند عفو شورا که با بقیه ضد کارگری اوروش است، صورت گرفته است.

کارگران اخراجی از آنجا که میدانستند وزارت کار حامی سرمایه داران است و مطابق ماده ۳۳ قانون ضد کارگری خود اخراج آنها را تأیید خواهد کرد به سندیکای کارگران بیکار پیروزی کرج و حومه شکایت کردند.

روز سه شنبه ۶ بهمن کارگران اخراجی ایرانی به اداره کار برای کرج محل سندیکای کارگران بیکار مراجعه کرده و در حضور کارگران قربان اخراج خود را شرح دادند. کارگران بیکار تصمیم گرفتند که

کارگر میززد، سرمایه دار میلرزد

شرکت آکروپل که کارهای ساختمانی مرکز تجزیه پستی را در دست دارد، چندی پیش به کارگران و کارمندان کارگاه اعلام میکند که شرکت قصد تعطیل کارگاه را دارد. اعتراضات کارگران و کارکنان در عرض دور و زبشت بالایی گیرد. کارگران تصمیم می - گیرند، به صورت کشته از تعطیل کارگاه جلوگیری کنند. زیرا که تعطیل کارگاه، کارگران و کارمندان کارگاه را به بیکاری میکشاند و چون بیشتر آنها کمتر از یکسال سابقه کار دارند، نمی توانند حق ممکن، حق اولاد و حق بیمه مطالبه کنند. کارگران گروه هم جمع میشوند و برای خود چند نفر نماینده انتخاب میکنند که این نمایندگان با مسئولین کارگاه در این باره گفتگو کنند.

روز یکشنبه ۵۸/۱۰/۲۹ کارفرما و سرچا بدار بد محل کارگاه می آیند. نمایندگان کارگران برای گفتگو در اتاق کارفرما حاضر میشوند و بیشتر کارگران دست از کار میکشند و مقابل اتاق به روی زمین می - نشینند. سرچا بدار می گوید شرکت بخاطر فصل زمستان و کمبود بودجه تا گریه تعطیل کارگاه را داشت. نماینده کارگران در جواب میگوید: کارگاه به هیچ عنوان نباید تعطیل شود. ما مدت هفت ماه در این کارگاه کار کرده ایم، اگر کارگاه تعطیل شود، ما بیکار می - شویم که هیچ، علاوه بر آن چون کارما کمترین کسب و محسوب میگردد از حق اولاد، حق ممکن و حق بیمه نیز محروم خواهیم شد. ما کارگاه را زنده نخواهیم داد که بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ حزب توده ...

نکرده اند. بهمین دلیل وقتی که نماینده ایمن کانون قلابی قصد داشت برای متحصنین سخنرانی کند با فریاد اعتراض آنها روبرو شد. آنها با شعار مرکز حزب توده جواب دندان شکنی به آقای نماینده دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه قرقره زیبا

روزی چهارشنبه ۲۵ دیماه کارگران کارخانه قرقره زیبا واقع در جاده کرج بمنظور رسیدن خواسته های مبنی خود دست از کار کشیدند. این اعتصاب بعد از مخالفت کمیته و سرپرست ها و مدبر کارخانه درگیری انجامید. طبق اخبار اولیه در درگیری روز سه شنبه ۲۷ دیماه دو نفر از نمایندگان زن و دو نفر از نمایندگان مرد دستگیر میشوند که از سرویس آنها اطلاعی در دست نیست. شورای کارخانه که بهیچوجه یک شورای کارگری نیست همواره بر علیه کارکنان توطئه جیده و معترضین را اخراج و بیستاید به اخراج میکنند.

کارگران کارخانه ضمن اظهار نفرت از شورای قلابی خواهان آزادی نمایندگان خود شده اند.

هستی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی است

روز ۵۸/۱۰/۲۷ بدینال اخراج ۵ نفر از کارگران کارخانه نارشا صفهان به بهانه چند دقیقه دیر آمدن، کلیه کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام ضد کارگری مدیر کارخانه دست از کار کشیدند. تهدیدهای عوامل کارفرما و توطئه های تفرقه افکنانه اش نتوانست در اینجا دو یکپارچگی کارگران خلی ایجاد کند. کارگران یکمدا خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند. سرانجام کارفرما نتوانست در مقابل فشار کارگران مقاومت نماید و چار شده که کارگران اخراجی را مجدداً بر سر کار بگرداند.

بقیه از صفحه ۱۱ امروز دفاع ...

از زمان شما تا بدینا رسیده که کودنای امپریالیستی را حمایت می نماید، مزدوران روبریونیست را "ترتی خواه و جب" قلمداد می کنند و جنبه انقلاب و خلق افغان را بدست فراموشی می سپارند و در پی آن هستند تا در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بر سوسال امپریالیسم شوروی تکیه زنند. روشن است که این اروپایی ها جدا از دیدگاه شما نیست به مسائل انقلاب و دین انقلاب در ایران نمی باشد. رفقا! چگونه میشود که بین ارزیابی شما از وقایع افغانستان و ارزیابی حزب توده مزدور و غیبتکار و شوروی تجاوت و ارتباط کیفی تفاوتی وجود ندارد؟ اگر شما خود را مارکسیست - لنینیست می دانید چگونه تحلیل ما را - کسیتی شما با تحلیل روبریونیستی در انطباق قرار می گیرد؟ از دو حال خارج نیست یا تحلیل روبریونیست ها مارکسیستی می باشد و یا برعکس - آن را به نقطه نظر شما رسیده اند و یا تحلیل شما روبریونیستی می باشد و یا تحلیل آنان منطبق گردیده است. بنظر ما روبریونیست ها ما هیت عوض نکرده اند و آنچه واقعتاً در حالت دوم می باشد.

بقیه از صفحه ۳ کارگرمی رزم ...

دیناری از حق ما کسر شود، سرحدات را رعایت می شود و بلند شده به همراه ما برین از اتاق بیرون می آید و در حالیکه بطرف اتومبیلش می رود میگوید: همین است که گفتم. سپس سوار ماشین میشوند و بطرف در خروجی حرکت میکنند. چند نفر از کارگران فوراً در خروجی را با تیر آهن و تخته می بندند. نمایندگان و سایر کارگران بطرف اتومبیل حامل سرحدات را هجوم میبرند و بر زنت قسمت عقب جیب را می کنند و سرحدات را از توی اتومبیل بیرون میکنند و در حالی که بیشتر کارگران خمکین و میله آهنی در دست راه خروجی را مسدود می کنند، دیگر کارگران با میله آهنی و جوب بسوی سرحدات و کارفرما حمله می برند که نمایندگان کارگران مانع از درگیری میشوند و آنها را با کت می کنند. یکی از نمایندگان روبرو سرحدات را میگوید: من به نمایندگی کلیه کارگران این کارگاه در حضور همه اعلام میکنم که کارگاه بهیچ عنوان حق تعطیل کردن را ندارد. اگر کارگاه تعطیل شود تمام ماشین آلات کارگاه و مصالح ناخشنودی موجود به نفع کارگران ما در اختیار گرفته خواهد شد. اگر مسئولین کارگاه این امر را جدی تلقی نکنند، می توانند عکس العمل ما را آزمایش کنند. کارگران با مشت های گره کرده و با گفتن صحیح است، سخنان نماینده خود را تصدیق میکنند. کارفرما و سرحدات را که وحشت سراپایشان را گرفته بود میگویند: فعلاً بر سر کار خود بر گردید و آرامش خود را حفظ کنید، ما فردا برای مذاکره به اینجا خواهیم آمد. روز دوشنبه ۵۸/۱۰/۲۷ مسئولین کارگاه قبول میکنند که کارگاه تعطیل نشود و کلیه حقوق کارگران و کارمندان و باغافه حقوق عقب افتاده و مقداری از فوق العاده شغل آنها پرداخت میشود و توافق میشود که نصف روز کار کنند و نصف حقوق دریافت دارند. کارگران فعلاً مشغول تشکیل شورا هستند تا اداره کارگاه را به عهده گیرند. ■

رفقای فدائی! سازمان شما پس از یکدوره از فعالیت مبارزاتی خود، بدون اینکه به نفع انقلابی و کامل مبنی چریکی بپردازد، بدون اینکه به طرد و تمطیه افکار و نظرات لیبرالی و روبریونیستی و حاملین آنها دست بزنند و بدین طریق خط فاصل عمیقی بین خود و روبریونیسم بکشند، در حال حاضر با رندگرایش روبریونیستی را می راند و پیش گرفته که سرانجام آن بس هولناک است. رفقا! خطرات مهمی سازمان شما را تهدید میکند و تبسم و آفرین گفتن های حزب خائن توده بشما بی دلیل نیست! ■



بقیه از صفحه ۷ اتحادیه دهقانی ...

مخالفت میکردند و می گفتند که شما ما را جوجوشی و "جبهه گیری مستقیم در مقابل دولت" است، که ممکن است این جنبش نوپا را بکلی منلانی کند. جلسه ای با شرکت نمایندگان ۶۲ ده تشکیل میشود. جلسه تصمیم به تقویت پیشرمه ها میگیرد.

رفیق در مورد مخالفت اقلیتی از روشنفکران میگوید: "البته از روز اول که این مخالفتها شروع شد ما این دو نظریه را بین مردم مطرح کردیم، نظریه ما وقتی بصورت عمل و اجرا درآمد، روز بروز طرفدارهای بیشتری پیدا میکردیم و مردم هم که این نظریه ها پیش و مطرح شده بود پس از مشورت های زیادی نظریه ما رو پذیرفتن و برای اونا هم روشن شد که در بین روشنفکران اختلاف عقیده وجود دارد و اونها هم بیکار چاره نیستن و با بد نظرات مختلف و نواقص و ت کرد و در نهایت هم این رای مردم نبود که مسئله رو حل کرد. چون ما در جناح روشنفکری قادی به حل مسئله نبودیم." پس از مدتی جناح مخالف به اشتباه خود اذعان میکنند ولی رفقا از اشتباهات نیز برای پرورش توده ها استفاده میکنند نه اینکه اختلافات را ماستمالی کنند. آنها ملزم میشوند همراه دیگر رفقا به روستا رفته و در حضور توده ها به اشتباه خود اعتراف کنند. بدو علت: "یکی اینکه این روش نیست - پیشرفت حتی ذهنی هم داشته باشد و همینکه دهقانیها که از این دودستگی خیلی ناراحت بودن و مرتسب هم ما رو قسم میدادن که بی طرفه و بی غیرمیرسیم بیبونیست و این شکاف را از بین ببریم" در ضمن این جریان گفتگوهای جالبی پیش می آید:

"چند نفر دهقان خطاب به روشنفکرها مطرح کردن که به ما خیانت نکنید" یکی از دهقانان به رفیق فواد میگوید: "اگر فواد دولت مستقر نشود شغل نون و آرد رو خوبی به تودا... ما روبرو مون خدا ول نکنی" و یکی از روشنفکران جواب میدهد: "اگر فواد دولت "جاش" استخدام کرد، توهم با ما همی دوسه هزار تومان دنبال سرما نگریدی و "قرا بری این شکله هر طرف خط کردی ما ازت مرگ باشد." رفیق فواد مطرح میکنند که "این خیلی مهمه که در آینده عده ای به جریا نه خیانت نکنن ولی ما با بدرجریان - روطوری پیش ببریم که خیانت یک یا چند نفر نتونه اونا را درهم بشکنه... باید شورسای سی روبا لا برد..."

در مربیان در سایه مبارزه و مقاومت کم کم اتحادیه دهقانی "قدرت و استحکام می یابد و ستاد آن بصورت یکدگران اجرائی" توده ای در می آید. ولی مالکان از توطئه دست نمی کشند و دولت نیز به آنها با ری میرساند. بیه... مالکان تمام این آشوبها روبا طرا بین بوجود میارن که روابط ظالمانه - شون حفظ بشه تا بهتر زندگی بکنن "در آخر رفیق فواد می گوید:

"دولت هر روز در گوشه ای از کردستان ایمن برنا می ده ای توطئه شو پیدا ده میکنند ولی تکرار این توطئه ها با لایحه بجائی منجر میشه. همینطوری که نمیمونه."

و دیدیم که به جنبش توفنده، پر شکوه و پیروز منند خلق کرد انجامید. ■

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

وزارت کار و شورای جنرال موتورزبان سرکوب سرمایه داران

"اتومبیل ساز" نشریه عده ای از کارگران جنرال موتورز در تارنا ریخ سی دیما منتشر شده است که در آن مطالبی دربار ضرورت انتشار نشریه، جنبش خلق کرد، نمونه های از اعمال غذاکاری کارگران و "شورای کارخانه و... درج شده است. در زیر مطلبی را از این نشریه می آوریم:

یکی از دوستان کارگران بنام سیدتقی حسینی که چندماه پیش با شغل آهنگر درجه یک استخدام شده اخیراً معاون رئیس تعمیرگاه (بزدانی غذاکاری) بنزوریا هیچگونه دلیل قانع کننده ای اورا وادار کرده که علاوه بر کار خودش تعمیر جلوبندی نیز کار کند یا اینکه دلایل سیدتقی بنظر کارگران قسمت قانع کننده بود ولی شورای غذاکاری بدون توجه به دلایل او از زورگویی بردانی حمایت میکند و می گوید اگر از دستور سرپرست قسمت، سربچی کنسی (یعنی حرف زور بدون دلیل را قبول نکنی) باید اخراج شوی.

دوست کارگر ما خیال اینکه در "جمهوری اسلامی" وزارت کار دیگر با غوثی نیست برای با مال شدن حق خود به وزارت کار شکایت می کند ولی وزارت کار جواب میدهد و هر کاری برای شکایتش نکوش و الا حق دارنده اخراجت کنند. شورای کارخانه بدینترانه از سیدتقی می خواهد که ابتدا با بدست میدهد و سه سرکار بر گردد.

حال دوستان کارگر عاصما وت کنید. شورا و وزارت کار در خدمت کیست؟ و چگونه در مقابل کارگری که از حق مسلمش دفاع میکند طرف بردانی ها عوامل سرمایه داران را می گیرد. آیا این حال میشود گفت که شورای ما و وزارت کار طرفدار کارگران است؟

ملی ایران را که چکیده مبارزات کارگران است شرکت بودا زعنا مر آگاه و مبارز تحفه کرده و مزدورین خود را در آن گنجانیدند و هم اکنون این "شورای انقلاب اسلامی" (سیرازیکی دهنور) ترکیبی است از مرنج ترین کارکنان شرکت که بعضی از اعضای آن تا ۲۳ هزار تومان در ماه حقوق میگیرند. واضح است شخصی با ۲۳ هزار تومان حقوق دریا نمی تواند درد من و شوی کارگر را لمس یا حتی درک کند.

شورایی که بشهادت نامه اعطای آن به "شورای انقلاب اسلامی ایران" چندین بار از دکتر جمران، ابن حلا د قدیمی خلق فلسطین در "تل زعتر" و حلا د جدید خلق قهرمان کرد و وزیر دفاع ضلعی کنونی و نوچه شناخته شده امپریالیسم آمریکا، در باره امور هواپیما ش ملی ایران نظرخواهی!! کند. بروشی معلوم است که نه طرفدار حقوق مسلم کارگران بلکه طرفدار سرمایه داران و منافع دولت آنهاست. این شورا فقط کارش نظر تری بر بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر ما کارگران است و لا غیر.....



موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری

بسیار دیر با هم مثل گذشته کارگران و زحمتکشان را غارت کنند، مثل رژیم شاه، اعتماد و تحسین کارگران را ممنوع کرده و بجای پاسخ به کارگران بیکار رگلوله تحویل آنها داد. دوستان کارگر، کارشورای غیر منتظره نیست و نبوده است برای اینکه کسانی مانند رفسنجانی، بهشتی، بازرگان و... در شورای انقلاب نبوده و هستند که خودشان سرمایه دار هستند. یعنی به نفع آقای بازرگان نیست که با سرمایه داران مبارزه کند... و اما کار دوم... ارتش ضد خلقی شاه را که ملا نابود می کردیم و ارتش خلقی از نیروهای انقلابی و خلقی تشکیل میدادیم، سرمایه داری بزرگ را از بین میبردیم و مقدمه جامعه بی طبقه را فراهم می ساختیم. قدرت را از طریق شوراهای کارگری دهقانی بدست می گرفتیم. اما چه کسی میتواند این کارها را انجام دهد؟ طبقه کارگر یا تشکیلات واقعی خود؟ یا طبقه سرمایه دار یا دولت سرمایه داری؟

معلوم است تنها کارگران و زحمتکشان میتوانند جامعه بدون ظلم و استثمار را برقرار سازند. خوب ما میبرسیم رفرا اندم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان، قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری کنونی برای بازسازی نظام سرمایه داری صورت میگیرد و برای نابودی نظام سرمایه داری که دشمن ما زحمتکشان است؟ از آنجا که انتخابات ریاست جمهوری کنونی (با کاندیداهای امثال مدنی و...) توسط هیئت حاکمه ضد خلقی برای بازسازی سرمایه داری وابسته صورت میگیرد. ما انتخابات ریاست جمهوری را تحریم میکنیم یعنی در آن شرکت نمی کنیم.

در شماره اول پیک کارگران بیکار کرج و حومه که در نیمه اول دیماه منتشر شده است، مطالب زیر به چشم میخورد: ۱- از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم؟ ۲- چرا کارگران را بیمه درمانی نمی کنند؟ ۳- گزارش از تحسین کارگران بیکار قزوین ۴- گزارشی از تحسین کارگران کارخانه شهر در فرمانداری کرج... و موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری که ما از این مطلب آخری قسمتهای را در زیر می آوریم.

"با ردیگری و وگرنای رژیم با مصالح طرفدار زحمتکشان بعداً در آمده تا انتخابات ریاست جمهوری را برپا کند. این انتخابات هم مثل رفرا اندم جمهوری اسلامی - رفرا اندم مجلس خفگان - رفرا اندم قانون اساسی برگزار خواهد شد. آنکه دردی از میلیونها درد طبقه کارگر علاج شود. راستی چرا؟ برای روشن شدن موضوع یک مثال میزنیم. فرض کنیم ما یک خانه کلنگی داریم و میخواهیم در آن زندگی کنیم. ما دو کار میتوانیم انجام دهیم، یا خانه را با لکل خراب کنیم و از نو خانه معکی بنا کنیم و یا همان خانه کهنه را واصله و بینه کنیم. این مثال در مورد جامعه ما هم درست است. بعد از قیام بهمن ما دو کار میتوانستیم انجام دهیم، یکی همین کار است که شورای فعلی انقلاب انجام داد یعنی نظام سرمایه داری وابسته را بازسازی نمود. ارتش ضد خلقی شاه را که از هم پاشیده بود، دوبرتبه از بازسازی کرد و تا آنرا از هتاهای به اسلامی تبدیل کرد. ادارات و موسسات دولتی با همان روسای قبلی را برانداخت. از سرمایه داران فراری امثال خیامی ها، ستاورها و... دعوت می کرد که به ایران

"هواپیمائی ملی ایران" و "شورای انقلاب اسلامی" آن

بخشهای مختلف آن مهره های گنجانده شده اند که نهادهای و حرکات انقلابی را تحت کنترل و نظارت شدید خود در می آورند. این مهره ها بنوعی خود شک بهم پیوسته و پیچیده ای را در درون این شرکت تشکیل می دهند که تا کنون با تلاش بدی این در هر سطحی ریشه دوانیده است.

... هواپیمائی چون "کمیتد" مستقر در فرودگاه "والنجن اسلامی" و "شورای انقلاب اسلامی" هواپیمائی ملی ایران "با سو" استفاده از احساسات مذهبی بعضی از کارگران و کارمندان این شرکت، سدا هر حرکت انقلابی شده و تراشدت سرکوب می کنند. بعنوان مثال شورای انقلابی هواپیما ش

نخستین شماره های مبارز نشریه عده ای از کارگران هواپیما ش ملی ایران، اخیراً منتشر شده است. در این شماره مطالبی بیرومن: "هواپیمائی ملی ایران و شورای انقلاب اسلامی آن"، "بخشنا سه مدیر عامل جدید در رابطه با "کمکاری و شورا ها"، افشای رویزونیست ها و همچنین اخبار کارگری و لیست سعادی از عتار و بسته به رژیم سابق که هنوز در هواپیما ش ملی مشغول بکارند، آمده است. آنچه در زیر ملاحظه می کنید، قسمتهای از مقاله ای است تحت عنوان فوق:

سیستم پیچیده اداری و بوروکراتیک هواپیما ش ملی ایران به تدریجی سازمان داده شده است که در

قانون اساسی "خبرگان" زنجیرست به پای زحمتکشان

خبر ویژه

عاملان امپریالیسم آمریکا و بعثی‌های
فاشیست عراق در کردستان خلع سلاح و
دستگیر شدند

هم مینان مبارز! سپاه‌رستگاری (سپاه‌رزگاری) از چند ماه قبل در کردستان بوسیله مداخله نقشبندی پسر شیخ عثمان نقشبندی که یکی از فعالین سپاه و ساواک در منطقه کردستان بود در دست دشو بوسیله بعثی‌ها از نظر تجهیزات نظامی تقویت و مستقیماً از اردشیرزاده‌ی وپالیزبان و جاسوسان سپاه بوسیله عراق پول می‌گرفتند و این مزدوران برای سزکوب شیروهای-انقلابی و لطمه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان درست شده بود ما سازمان انقلابی زحمت-کشان کردستان ایران (کومه‌له) بنا به وظیفه-انقلابی خود نتوانستیم در مقابل این جریان ضد خلقی بی تفاوت باشیم، تصمیم گرفتیم که آنها را خلع سلاح و رهبران آنها را دستگیر کنیم. در روز ۵۸/۱۱/۹ در مدت ۲۴ ساعت تمام پایگاه‌هایشان را خلع سلاح و تمام رهبران را دستگیر کردیم.

ما معتقدیم که امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش با بد از ایران ریشه‌کن شوند برای مبارزه با امپریالیسم با داول عوامل داخلیش را نابود کرد و بنا به همین اعتقاد با هر حرکت ضد خلقی هر چند ضعیف با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد.

حال از رهبران خائن حزب توده می‌پرسم عامل امپریالیسم چیست؟

در این مدت برخورد ما بگروانه‌هیئت حاکمه با سپاه‌رستگاری، و جنگ تحمیلی که بعد از خلع سلاح این مزدوران امپریالیسم آمریکا، بوسیله جاسوهای مفتی زاده‌ها و سپاه‌داران تاج‌وزگر، بر مردم مبارزگان می‌آورد شده، بی‌مناسبت نیست!

"مرگ برای امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش"
"پیروزی با دما رزه‌خدا امپریالیستی خلق‌های
سرایران"
"خلق کرد پیروز است"
"ارتجاع نابود است"

"سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان
ایران - کومه‌له"
۵۸/۱۱/۱۱

فاشیست عراق ارتباط می‌دهند.

در زیر قسمتی از اعلامیه کومه‌له را می‌خوانید

دارودسته رهبران سپاه‌رزگاری عمدتاً از شیخ-زادگان مرتجع و جاسوهای سابق، فئودالها، دزدان و قلدراهای خدمت مردم تشکیل شده‌اند. آنها در دوران پهلوی جزو نزدیکان شاه بودند، شیخ ملاح رئیس "سپاه" یا خانواده‌ها و جناح‌ها را روابط نزدیک داشت بقیه در صفحه ۱۲



خلق‌ها و مسئله ملی

پس از خروج پاسداران:

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سندج!

در این راهپیمایی شرکت کرده بودند، بی‌شک سندج تاکنون چنین تظاهرات عظیم و منظمی را بخود ندیده بود.

راهپیمایان پس از گذشتن از چند خیابان بطرف میدان آزادی حرکت کردند. آنها در این مسیر در حالیکه سرودهای رقیب را می‌خواندند، محکم بر زمین پای می‌گوبیدند.

بعضی از شعارهایی که در طول راهپیمایی داده میشد عبارتند از:

- ۱- تحن توده‌ها نشان وحدت ما - اخراج پاسداران - بیانگر عزم ما.
- ۲- امپریالیسم آمریکا، دشمن خلقهای ایران.
- ۳- حزب توده فریبکار! - ای خائن سازشکار-شنگ به نیرنگ تو.
- ۴- اتحاد، مبارزه، پیروزی.

.....

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر جمعیت بمیدان آزادی رسید و دورتا دور میدان و خیابانهای اطراف آنرا پرکرد. برنامهای پیاپی از ما موستاشیخ عزالدین حسینی شروع شد و سپس پیاپی سازمان چریکهای فدائی خلق، حزب دمکرات کردستان و کومه‌له قراشت شد. آنگاه هیئت ناما عید بودن هواپیماهای سازمان پیکار، تشکیلات زحمتکشان، شورای دانش‌آموزان، ستاد شورای هماهنگی، راه‌کارگر و... خوانده شدند و جمعیت با شنیدن قطعاً همه متعین متفرق گردید.

مردم از صبح زود جلواستانداری جمع شده بودند تا پیروزی خود را که در سپاه اتحاد دوهمسکتی و پس از ۲۹ روز تحن بدست آورده بودند نظرات عظیمی به تمام خلقهای ایران و جهان اعلام دارند.

روحیه مردم بسیار خوب بود، آنها در عمل بقدرت همسکتی و یکپارچگی پی برده بودند. آنها فهمیدند که در برابر دستهای متدخلتها هیچ نیروی را برای مقاومت نیست و با ایمان به این نیروی لایزال آمده بودند تا با ردیکر توسط یک راهپیمایی شکوه همسکتی را بنمایش بگذارند.

پس از شروع راهپیمایی چندین پیام و سرو د خوانده شد و ضمن چند سخنرانی کوتاه راجع به ماهیت رژیم و سنی مدرو و ظایف مردم برای حفظ دستاوردهای مبارزه و توسعه آن توضیح داده شد.

ساعت ۱۱/۵ با بازگشت نمایندگان متعینین که برای اطمینان از خروج پاسداران به مرکز سپاه رفته بودند، شزوغرا هییمایی از بلندگوی استانداری اعلام شد، دریای خلق، موج و پر خروش، سر بلند و برتوان با شعارهای انقلابی برای افتاد، تظاهرات کنندگان یکپارچه شور و شوق بودند و صفوف آنها با پیوستن مردم هر لحظه فشرده تر میشد.

وقتی جمعیت مقابل مرکز سپاه پاسداران رسید، با صدایی رساترکمانی از کینه و نفرتشان به این چماق سرکوب رژیم بود شعار دادند.

بیش از ۲۰۰ هزار نفر از اهالی سندج و حومه

"سپاه رزگاری"، توسط "کومه‌له" قلع و قمع شد

- دارودسته رزگاری، عامل امپریالیسم، سرسپرد رژیم شاه و مزدور بعثی‌های فاشیست عراق در کردستان هستند.

- حال از رویونیستهای خائن توده و جنگ افروزان حزب جمهوری اسلامی باید پرسید "ضد انقلاب" و عامل امپریالیسم چیست؟!

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه‌له) ضمن انتشار اعلامیه‌ای بتاريخ ۵۸/۱۱/۹ مزدوران بعث عراق و کما شنگان شاه‌فراری را که اخیراً تحت عنوان "سپاه رزگاری" (بعثی رستگاری) در جنبش ضد دلانہ خلق کرد اخلاص می‌کنند، افشا نموده است. همانطور که میدانیم پیشمرگان کومه‌له بدون حتی شلیک یک تیر گردانندگان و رهبران مزدور "سپاه رزگاری" را خلع سلاح و بازداشت کردند. آگاه‌های از

ما هیت و عملکرد این سپاه که توسط رژیم فاشیستی بعث عراق تاندانان ملحق شده بودند، بویژه از آنجا اهمیت دارد که چندی است حزب جنگ افروز جمهوری اسلامی و همپا لکی اش حزب توده، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را زیر حملات تبلیغاتی ناجوانمردانه و عوامفریبانه خود گرفته و سعی در منفرد کردن و سرکوب کومه‌له را دارند و وقیحا نه این سازمان انقلابی را به مزدوران بعثی و رژیم

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



مبارزات دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه

دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه بر شدت مبارزه خود بر علیه فئودالها افزوده اند. در روستاهای "بارانی" و "یادگارلو" دهقانان زمینهای فئودالها را مصادره نموده و شخم زده اند. در روستای "بارانی" حدود ۷۰ خانوار از خوشنیشان جمعاً ۱۴۰ هکتار از زمینهای متعلق به "محمدباقرخان احمدلو" و "سیدحسین ارداهلی" از فئودالهای منطقه را تصرف کرده و دیگر دهقانان نیز با واگذاری تراکتور و سایر وسایل لازم به آنان باری رسانده اند. در دیگر روستاهای منطقه "سلدوز" دهقانان هر چند به علت ریزش برف نتوانسته اند در مورد ضبط زمینهای فئودالها اقدام کنند، ولی سوکند خورده اند که در اولین فرصت آنها را غلبه کنند. دهقانان میگویند که اگر کسی بخواد مانع مبارزه زمین فئودالها گردد، با اسلحه دولت (۱) دست به مقاومت مسلحانه خواهند زد.

(۱) - دولت به منظور "حک باکردها" اسلحه در اختیار دهقانان قرار داده است. اما دهقانان که دریافته اند دشمنان آنها به خلق مبارز گردیده بلکه فئودالها و حاکمان آنها میباشند، قصد دارند از این اسلحه علیه فئودالها استفاده کنند که این خودشان دهنده رشدهای سیاسی دهقانان را چنانکه ممکن است.

رأی بیشتر می شناسند و کمک هایشان را به آن افزایش می دهند. نفرات مسلح به پیشمرگه میفرستند. پیشمرگه ها مسلحانه یکدیگر دهقانان که در مقابل تجا و مزدوران مالکان ایستادگی میکنند، می شناسند و هر جا که مزدوران مسلح مالکان را پیشمرگه ها را با صراحت می آورند، دهقانان و مردم شهری از اطراف به کمک آنها می آیند، در مناطقی که کار سیاسی کم شده بود به راهی از دهقانان محافظه کار میترسیدند - گفتند "شما منطقه ما را به آتش و آشوب می کشید و مالک ها از این بیدار را راحت نمی گذارند و ما را میکشد ولی اکثریت مخالف نظر آنها بود"، رفا در تصمیم گیری همیشه به اینکار رتوده ها تکیه می کنند و از بالای سر رتوده ها عمل نمی کنند. در مورد بحث های که پس از یکی از برخورد ها در می گیرد، رفیق می گوید: "اوایل میخواستیم مسئله را خودمان و از طریق نظامی حل بکنیم، ولی بعد از بحث و بررسی تصمیم گرفتیم که مردم منطقه را به داخل ایستاد جریان بکشیم و از آنها کمک بگیریم برای حل مسئله می گفتیم بگذار آنها هم دخالت نکنند، چرا در جاییه با بستند و ما شایکند" و بگفته خود رفیق "ایستاد طرز برخورد بین دهانها تا شریادی داشت"، برای ارزیابی موضوع که مردم بطور این رویداد برخورد میکنند و نیز تعیین تکلیف نظرات پاره ای از روشنفکران که ارهان ابتدا با تشکیل پیشمرگه

بقیه در صفحه ۴

سخنی درباره کتاب :

"اتحادیه دهقانی مریوان و تجربه های آن"

گفتگویی با رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

مسلح بودن، مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن، برای دفاع از این تشکلی حداقل دهقانها میبایست مسلح باشند تا بتوانن وحدت خود شون برای رسیدن به هدف حفظ کنند. جدا شدن و بریدن از کار سیاسی در شهر و کنت در روستاها برای فرازا زنده ها نبود، عده ای مسلح بهشتار نبودند. چریک جدا از زنده نبودند. خود رفیق بدرستی طرح میکنند "خس که نبودیم به کوه برنیم"، آنها برای شرکت در مبارزه املی و واقعی توده ها است که پیشتا میشوند. در شرایطی که توده ها در مقابل فشار اربابان و قیاده موقت و دولت دیگر به ضرورت تجمع سابق به آن شکل هیچ اعتقادی نداشتند.

"در شرایطی که آنها مسلح بودن و مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن و می بایست دهقانها مسلح باشن و با "هدف از بین رفتن از شهر عبارت بود از کار سیاسی - تشکیلاتی در میان مردم، در اینجا است که اختلاف می چریکی و مثنی توده ای - انقلابی در براتیک مبارزات توده ها با شرکت خود توده ها بصورت شخص شروشن میشود". گروه پیشمرگه مسلحانه در روستا ها گشت زده و به کار سیاسی، با لایردن آگاه های سیاسی دهقانان و متشکل نمودن آنان می پردازند. بعلا وضعت منطقه و جان گرفتن مجدد مالکان، دهقانها "از لاج مالکها نظا هربه ها داری شاه میکردن" رفیق روشنگر - انه و از بالا به توده ها بر خورد نمی کند... میا ضرورتا میبایست با آن وضع مبارزه بکنیم و دهقانها روقائع بکنیم که شاه خوب نبود اگر وضع تازه وضع خوبی نیست دلیل نمیشود که فکر کنیم اون بهتر بود". آنها دستا وردهای انقلاب را (که هر چند تا قص ولی برای گسترش مبارزات سودمند بود) - برای مردم نیان میکنند. ضرورت تشکیل شورای انقلابی ده و اتحادیه های دهقانی و نقش سلاح را در عقب نشان دادن دشمن به توده های دهقان توضیح میدهند. در تولید دهقانان شرکت میکنند، به مذهب و رسوم آنان احترام می گذارند و حتی در تجمع ها گاه ملای آبادی را نیز دعوت میکنند. دهقانان "اتحادیه"

برداشتها و تجاربی که رفیق در این گفتگو ارائه می دهد، یک مورد نمونه و از انگیزش توده ای یک انقلابی کمونیست و مبارز را ستین آرمان توده های زحمتکش است، تجاربی که دستا و در شرکت مستقیم در مبارزات طبقاتی و پیوند دادن تئوری انقلابی با مبارزات جاری و روزمره توده ها است. هر چند جزوه مزبور بدلیل شکل ایجادش (که ما حاصل گفتگویی با رفیق است) نمیتواند یک بررسی جامع در زمینه مسائل مورد بحث باشد، ولی طرح مادقا نه زنده مسائل مهمی را در ارتباط با کار توده ای رفیق فواد و رفقای وی در میان دهقانان مریوان در بر دارد.

★ ★ ★

مالکان که تا آخرین لحظه های عمر رژیم شاه طرفدار سر سخت وی بودند وقتی فهمیدند که شاه رفتنی است تغییر جهت دادند و برای تامین منافع طبقاتی خود از خمینی پشتیبانی کردند. آنها شروع به تشکیل و مسلح نمودن خود و هجوم به دهقانان نمودند. در مقابل دهقانان برای دفاع مشترک در برابر مالکین یکم روشنفکران انقلابی که از مدتی پیش از خواستهای دهقانان حمایت و در مبارزه - گران شرکت می جستند، اتحادیه دهقانی تشکیل می - دهند و مسلح میشوند. مالکان و نیروهای پشتیبان آنان، قیاده موقت و مفتی زاده، شروع به حمله و خلع سلاح دهقانان میکنند. دهقانان که هنوز فاقد تشکلی و آگاهی لازم هستند در مواردی خلع سلاح و مرعوب می گردند. جلسه اتحادیه دهقانان که در برابر هجوم دشمن دچار ضربه شده و تشکلی و روحیه اش آسیب دیده بدون شرکت نمایندگان تمام دهاتی که عضو بودند تشکیل میشود و تصمیم به مقاومت و تشکیل دستجات پیشمرگه می گیرد. اولین گروه پیشمرگه با شرکت رفیق فواد بعد از ۷، ۸ روزا هیماشی تصمیم می - گیرد که گشت در روستاها را شروع کند.

از نظر رفیق فواد "ادامه کار سیاسی بصورت قبلی و علنی امکان نداشت"، وضع تغییر کرده بود "قیاده موقت و مالکان هجوم آورده بودند و میکوشیدند خفقان قبلی را به مردم تحمیل نمایند، ولی - اما دگی مردم بیشتر شده بود"، "در شرایطی که آنها

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

حاکم شرع اصفہان حکم جدائی ہمسر
یک کارگرا (بدون طلاق) بخاطر
عقاید سیاسی آن کارگرا صادر کرد !

با مودبر را رفیق کا رگری به بیکار نوشیده که
ارحاع حاکم به "حرم" دانا کشا بها و روزها می
میرمی و اغلاسی همسری را از او جدا کرده و کاشا نه اش
را ملاشی نموده است .
از آنجا که ما هم مذکور بسا نگرند کهنکسی و
بوسیدگی و عمو ارحاع حاکم است . ما آنرا همرد ما
سندی که ساسان دهنده اقدام دفرما ما است منشر
می کنیم .
کرامی و روزها مدیگار
با غریب سلام و ارا دمندی خالما نه علامتشی و
کاشا نه و موقع روزها فرزون رزمندگان را ستنس
نفرده از کارگر سارما ن بیکار از آرزو مند ما را ننگه
در آوا احدا را دمو و رندکی نوی برای نسل جوان
نشر رسیدم دهنده احدا و اب و ترجمه کنا بهای
رهبران بزرگ نرول را با و رهسودهای خود که بدون
محکوم نوع و با غنی نسل میا دما را سبه
خواند (نرود سرخ رهائی) انداخته دما و اروسا سب
ندم میما شد بهای ساسان را دارم با اینکجه
مدا سوزانی مونس جان در کمر مسائل اغلات و
نوده های ستم کشنده همسند محوا هم محل خطه های از
ونب غریبان را گرفته و سائلانی را که رندگیم راه
با سودی کنا بدیا سار دما ن نگارم ، اینکجا سب
شی صادنی که مذکب کنا ، و رسم سکارم سدا زان
نوا ، اینکجا با ، کار با سدا بدود ، بکر از دهات

حامد دوسرا امام سودا دكا دا غلاب اسلامي اصفهان

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان اصفهان
دامه نوبقه

محرم‌آقای علی نادری نسب بدسترامام مراجعه و اظهار
مستدرد منزل مکتوبی و کتابهای اورا با حکم حاکم شرع در
رجه بیار خنثا معینان توثیق نموده اند.
مقتضی السلام مقرر فرما شد رسیدگی نموده تا احقاق حقی
کرد. والسلام.

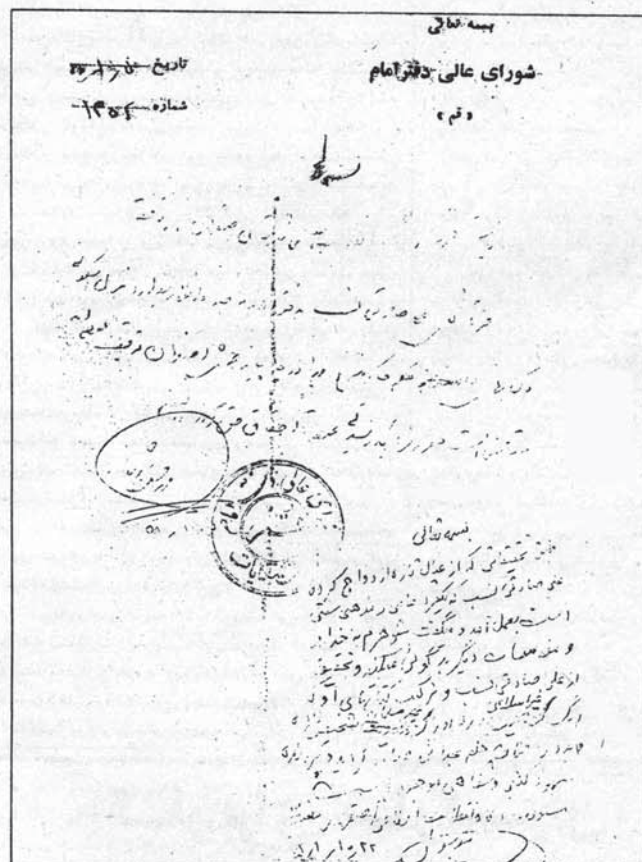
۱۸/۱۰/۵۸

ہاں عا ک م شرع !

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طبق تحقیقاتی که از عیال نازاره ارواح کرده علی مادیسی
نست که یک فرد عامی و مذهبی سنتی است بعمل آمد وی گفت
نوهرم بهداد و مقدیاس دیگر بدگوشی می کند و تحقیق از علی
مادیسی نست و سرکید. کتا بهای او که هر یک عنرا سلامی دارد، او را
غیر مسلمانی تشخیص داده و بدون غلطی حکم بدائی صادر کردید و
برونده نشود کست. نتایج موجود است.

مسئول دادگاه انقلاب اسلامی
مسئول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان
شعبه ۲
موسوی - ۵۸/۱۰/۲۲



واقعاً که این شیخ آمریکائی از طرف حامیان امپریالیسم در ایران که دولت و شورای انقلاب را قبضه کرده اند سخن میگوید. سرسپردگان و سوارزوا - لیبرالهای ایرانی نیز درست همین فکر را میکنند. آنها نیز گروگان گیری را گذرا میدانند، بهمین دلیل است که حتی حاضر شدند صدور نفت به آمریکا را قطع کنند تا چه رسیده قطع روابط با امپریالیسم آمریکا که خواست خلق و تمامی نیروهای انقلابی است.

از دیگر سخنان اینان در سربا میهای تلویزیونی خود، مقداری بدگویی از شاه است و کوشش برای جانداختن این موضوع در ذهن مردم که رابطه ایران و آمریکا ناگسستی است. این آقایان هم -

"من در مذاکراتم با کارتر مراجع به گروگانها چنین و چنان گفتم..."!

یعنی ایشان قبل از مسافرت به ایران آقای کارتر را دیده و صحبت کرده و دستور العمل های لازم را گرفته است.

معرف و دوستان ایرانی این جاسوسان کیست؟!!

اینها که گفتیم یک طرف قضیه است اما آیا به عقل جور در می آید که بگوئیم این آقایان ما موربه همین سادگی از نسوی کره زمین بلند میشوند و به ایران می آیند و صاف ساده از تلویزیون و منزل قدرتمندان سردر می آورند؟! آیا ...

پرفسورهای "مسلمان" یا مأمورین سیا!

● پرفسور "حامد الگار" دوست آقای یزدی برای چه به ایران می آید؟!!

چنین کوشش میکنند که بگویند در آمریکا اسلام چه وضع خوبی دارد و حکومت آمریکا چگونه مسلمانان را مورد حمایت خود قرار میدهد و بدین ترتیب ایجاد دحش - بینی نسبت به آمریکا و ...

اما محوردیگر برنا مداین ما مورین آمریکا - شی شما با ما حیان قدرت و بخصوص آیت الله خمینی است. اینها در این کار نیز موفق هستند اگر کندی و یا وزیر امور خارجه آمریکا نمیتوانند با به قسیم بگذارد، در عوض اینها براحتی میتوانند در این - جا نیز هدف از اد کردن گروگانها و تبلیغات غیر - مستقیم بنفع آمریکا است.

شازینگو: حمایت از الله!

از زمانی که تلویزیون گروزی کتونی آقای کارتر و وزیر دفاع و فرمانروای تانین "پنتاگون" گفت:

"بهترین راه برای تأمین منافع آمریکا در خاور میانه حمایت از الله است!"

خیلی نمی گذرد و سا زمان جاسوسی آمریکا به کمک دوستان و سرسپردگان ایرانیان زود و خوب توانسته است این برنا به راه اجرا در آورد. راه افتادن پرفسورها و مسلمانان آمریکا که به ایران پس از اشغال سفارت و گروگان گیری جاسو - سان آمریکا، جزئی از همین برنا به حمایت از "الله" و حمایت از "اسلام" کاخ سفید نشینان و اداره جاسوسی (سی ای) آمریکا است. این برنا به حمایت از الله و اسلام امروز بطور جدی از جانب امپریالیسم آمریکا دنبال میشود، گزارشات و آنچه نشان میدهد که در روز ۱۴ دسامبر (برابر با ۲۳ آذر) در "شورای امنیت ملی آمریکا" (با اکثریت مرجعی که در آمریکا مسائل مربوط به امنیت آمریکا را در سطح جهان مورد بررسی قرار میدهد) طرحی تصویب رسیده که هدف آن تبلیغات اسلامی است را هر سیدن بقیه در صفحه ۱۲

پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران و گروگان گیری ما مورین لانه جاسوسی، هفته ای نیست که مردم ایران شاهد آمد و شده های "مسلمانان" آمریکا - شی به ایران نباشند. این مسلمانان که محقق و استاد و اسلام شناس و ... معرفی میشوند از سربان حکومت دیدن میکنند، در صفحه تلویزیون ظاهر می - شوند و با دقت تمام برنا به مورد نظرشان را با جرات در می آورند. چرا پای اینان به ایران باز شده است؟ درک این موضوع زیاده مشکل نیست. امپریالیسم آمریکا در کنارسایست های رسمی خود و تهدیدها و اقدامات عملی دیگر در رابطه با آزاد ساختن گروگانها، تلاش های غیر رسمی دیگری را نیز پیگیری تبلیغات غیر مستقیم بنفع آمریکا و بازداشتن قدرتمندان حاکم در ایران بعمل می آورد.

مدا لیه به بهترین کمائی که میتواند چنین نقشی را بازی کنند آقایان بظا هر پرفسورهای و محققین آمریکائی در رشته اسلام و "مسلمانهای" سرشناس آمریکائی هستند.

"ابتکار" شخصی یا ابتکار سیا!

این آقایان تلاش میکنند که این رفت و آمدها را اتفاقی و از موضع ابتکار شخصی قلمداد کنند. ولی بینندگان آگاه و هو شیوا تلویزیون بخوبی میتوانند دریا بند که چنین نیست، بطور مثال در یکی از مصاحبه های قبلی (چند هفته پیش) در تلویزیون به چندتن از این آقایان پرفسور و مسلمان آمریکا شی کاشف بعمل آمده که کدام از این آقایان از یک گوشه آمریکا بزرگ ۲۵۰ میلیون نفری هستند و عجیب این بود که اینان چگونه و چگونه هم دیگر را گیر آورده اند. بهمین خاطر وقتی خبری را با هوش تلو - بیزیون از آنها پرسید که چگونه هم دیگر را می شناسند و چگونه هم به هم به ایران آمده اند سخنگوی این آقایان ما مورچین گفت:

"ما هنگام مدعا برای گروگانها در زیر محسمه آزادی هم دیگر را پیدا کردیم و تصمیم به مسافرت به ایران گرفتیم!"

اما آیا واقعیت بهمین سادگی است و شونده های آگاه ما به چنین با و هائی با و رد دارند؟ هرگز! در واقع اگر ادعای دروغ این آقایان جاسوس را به زبان بشری! و خودمانی ترجمه کنیم باید بجای آنها بگوئیم که: ما کنفرانسی (همان مجلس دعا ست!) تشکیل دادیم تا نسبت به راه حل های مختلف آزادی گروگانها، به بهبود بخشیدن به روابط دولت ایران و دولت آمریکا، که تحت تاثیر مبارزه خلق دچار تیرگی و بلبشوشی شده است، خوشبین کردن مردم ایران نسبت به آمریکا، به دست آوردن دل قدرتمندان حاکم در ایران و تبلیغات غیر مستقیم بنفع آمریکا و ... آری نسبت به اینگونه مسائل صحبت کنیم. در نتیجه قرار شد ما مورا جرای این برانسته باشیم و بلافاصله راهی ایران شدیم. ... به سخن یکی دیگر از این قبیل جاسوسان مسلمان ریشدار (البته این یکی عبا و عمامه هم دارد) گوش میدهم آقای شیخ محمدشیری رهبر شیعیان آمریکا تشکرا را می گوید:

نگاهی به برنامه های این جاسوسان

اما برنا میهای تلویزیونی این آقایان ما مور، اغلب شبیه هم است: اول تعریف و تمجید از "انقلاب اسلامی" ایران و آیت الله خمینی و بدین ترتیب فریب تما شایان و شنوندگان نا آگاه و هوا - کردن این مسئله در ذهن مردم که ما حامی "انقلاب" شما شیم.

منظور آقای شیخ محمدباقر شری از جنبه منفی و گذرا همان گروگان گیری است. و در واقع اینطور تبلیغ میکند، که ای مردم ایران هر چند این کار کمی ایراد داشته است ولی عیب ندارد، "گذراست"!

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

نخستین صفحه ۱ امروز دفاع ...

دستگاه امنیاتی افغانی این رفتار را در قبال کودتای اجبار افغانستان در چند روزه گذشته مورد بحث قرار می‌دهد:

۱- رفقای فدائی تجاوز و کودتای امیربا - لستی را "حمایت" و در جهت منافع مردم قلمداد می‌کنند.

سوسال امیربا لستم شوروی به منظور غارت و جابجایی سکنه افغانستان، به منظور سرکوب و حمله به تر خلق ستم‌کشیده افغان و در رقابت با امیربا لستم آمریکا به منظور تحکیم موقعیت خود، از طریق کسب هزاران مستأجر و سرباز را علیه خود و یک کودتای محدود امیربا لستی دست زده و با نام مردم و روزیو - سوسیالیستی را بر سر قدرت می‌نشانند. آنها هم نظامی آمریکا و سوسیالیستی شوروی در افغانستان می‌بیند و امرای است: یکی، رشد خصمه توسعه طلبی شوروی و سایر کوری رژیم ترارهای نوین در تجاوز غربان نسبت به اسرائیل و دیگری رقابت روز افزون بین دو قدرت امیربا لستی آمریکا و سوسال - امیربا لستی شوروی به منظور کسب هژمونی (سرکردگی) در عرصه جهانی.

امروزه در عرصه کنش و رقابت امیربا لستی - سارزه آمریکا و شوروی با یکدیگر خاص را اشغال می - نماید سارزه ای که هدف سرکردگی بر جهان را تعین می‌کند. سارزه را به این طریق تسلط، ارسال بسیار و سلطه ای حکمی به کشورهای تحت سلطه، استعمار و راس و واکانهای جنگی در قلمرو دنیا تجاوز به سرزمینهای دیگران، ایجاد جنگهای محلی انجام کودتا و غیره، اشغال گوناگون این رقابت و سارزه در عرصه سیاسی - نظامی می‌باشد.

برای امیربا لستم آمریکا و سوسال امیربا - لستم شوروی، منطقه خاور میانه و خلیج فارس به واسطه سرورها و منابع طبیعی و ویژه نفت و نیز موقعیت استراتژیک آن، یکی از نقاط پراهمیت، حساس و حیاتی مورد جدال و کشمکش جهانی است. به توجیه اینکه ۶۰٪ نفت اروپا و ۹۰٪ نفت ژاپن از این منطقه تأمین می‌شود، بر سلطه داشتن این منطقه استراتژیک و کلیدی عامل بسیار بزرگی در راه تأمین سرکردگی جهانی بشمار می‌آید.

در این منطقه امیربا لستم آمریکا دارای نفوذ بسیار زیادی می‌باشد، با یکا به عظیم نظامی در جزیره "دیگو گارسیا" در اقیانوس هند، با یکا بهای نظامی در جزیره "مصر" در عمان و در بحرین، استقرارنا و - های جنگی، سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در یک سلسله کشورها با رژیمهای سرسپرده و مرتجع چون عربستان سعودی، پاکستان، مصر و اسرائیل و تجاوزکار... مشخص کننده حضور آمریکا در این نقطه از جهان می‌باشد. از جهت دیگر حضور شوروی توسعه - طلب نیز با داشتن چندین یکا به نظامی از جمله در بین جنوبی و سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در برخی کشورها چون انجولی، افغانستان، سوریه و غیره مشخص می‌گردد. پس از سقوط رژیم مزدور سلطنتی شاهنشاهی پهلوی توانای توده‌های خلق میهن ما، حاکمیت و سلطه امیربا لستم آمریکا در ایران دستخوش تزلزل می‌گردد. در این موقعیت رقابت آمریکا و شوروی در جهت گسترش و تحکیم نفوذ خود در منطقه بیش از پیش شدت می‌گیرد و هر یک از آنها می - بخواهند امر به ای تا زیره رقیب خود را درازد. در عرصه

چنین گوشه‌ها و با توجه به شکست رژیم "امین" در حمله مسلحانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان است که سوسال امیربا لستم شوروی دست به کودتای جدیدی در این کشور می‌زند، تا بدین وسیله موقعیت خویش را تحکیم بخشد و خود را به خلیج فارس و اقیانوس هند نزدیکتر گرداند.

در برابر این اقدامات، امیربا لستم آمریکا از خود او کنش نشان داده و به تجهیز بیشتر خود می - پردازد، به نحوی که کارتر با وام ۴۰۰ میلیون دلاری به پاکستان جهت گسترش امور نظامی و هسته‌ای توافق خود را اعلام می‌نماید. آمریکا دو هواپیمای آواکس به مصر ارسال می‌دارد تا آنها بتوانند با کشتیهای جنگی در خلیج فارس و اقیانوس هند شمشیر بگردانند.

هستند، به تحقیر توده‌ها بپردازد، به سرپرولناریا و توده‌ها و شایستگی انقلابی - تاریخی آنها قدامت کرده‌اند. چنین کمائی ما رکیست نیستند و اگر همچون رویزیونیستهای توده‌ای شایسته باشند، خدمتگزاران بیمقدار بورژوازی بشمار می‌آیند. امیربا لستم آمریکا تجاوز خود به ویتنام را امری برای "دفاع از آزادی و دموکراسی" قلمداد می - کرد و سوسال امیربا لستم شوروی نیز دخالت نظامی خود را با "بیشرفت انقلاب و سوسیالیسم" میدانند. رفقای فدائی که میان مارکسیسم و رویزیونیسم در نوسان اند، تجاوز شوروی را "حمایت" نام می‌گذارند و از این اقدام امیربا لستی دفاع می‌کنند.

زمانی که خروشچف خائن همزمان با سازش با آمریکا به طرح تر "گذار سالت آمیز" پرداخت و با رژیم وابسته شاه وارد "مناسبات صلح آمیز و متقابل" گردید، کمیته مرکزی حزب توده به تأیید "رفرمهای" ارضی "شاه و" سلطنت شاه" دست زد.

امروز در عرصه کشاکش و رقابت امیربا لستی - سارزه آمریکا و شوروی با یکدیگر خاص را اشغال می‌نماید، مبارزهای که هدف سرکردگی بر جهان را تعقیب می‌کنند.

ما از رفقای فدائی شتوال می‌کنیم که بر اساس کدام اصل مارکسیستی - لنینیستی یک دولت سوسیالیستی حق تجاوز و کودتا در کشور دیگر را دارد؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید صادر کرد؟

لنین می‌نویسد:

"در حقیقت سوسال شورویستها از یک سیاست ضد پرولناریا و بورژوازی پیروی می‌کنند، زیرا که آنها علاوه بر "حق" این یا آن قدرت "بزرگ" در غارت مستعمرات و سرکوبی ملت‌های دیگر حمایت می‌کنند، نه از "دفاع از میهن" مفهوم مبارزه علیه ستم بیگانه، سوسال - شورویستها با راه این فریب بورژوازی زا که جنگ برای حفظ آزادی و موجودیت ملت‌ها برپا گشته، تکرار می‌کنند، از این رو آنها علیه پرولناریا جان نبورژوازی را نمیگیرند. (سوسیالیسم و جنگ)

رفقای فدائی، شما به موقع کاملاً انحرافی خود "حق" شوروی میدانید که تجاوز و غارت کند و به سرکوب خلق‌ها بپردازد، شما کودتای شوروی را "برای حفظ آزادی و موجودیت ملت‌ها" قلمداد می‌کنید، شما به مشاطه‌گری یک شیروی متجاوز بپردازد و با این اقدام خود عملاً به حمایت از بورژوازی شوروی عمل کرده و بنا بر این علیه پرولناریا و خلق‌ها موضع گرفته‌اید.

۲- رفقای فدائی نیروهای رویزیونیست را "چپ" و "ترقیخواه" ارزیابی می‌کنند.

لنین در تارخ رویزیونیست می‌نویسد: "اینها علیین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزه طبقه سرمایه‌داران و مجریان حقیقی رفرمیسم و شورویسم هستند. (امیربا لستم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری) (تا کیدازماست).

آیا از دیدگاه پرولناریا و مارکسیسم - لنینیسم نیروهای رویزیونیست که بقول لنین عاملین واقعی بورژوازی و مجریان حقیقی رفرمیسم هستند را میتوان "احزاب چپ" و "نیروهای ترقیخواه" قلمداد نمود؟ بطور قطع پاسخ منفی است. ولی شاید رفقای فدائی متکرر رویزیونیست بودن بانه‌های

آمریکا ۳۰۰۰ خلبان و مستشار خود را در مصر مستقر ساخته و قرار بر اینست تا رژیم خائن سادات اجازه ندهند هواپیما و کشتیهای جنگی آمریکا در صورت لزوم از خاک مصر دست به حمله بزنند. به علاوه طبق قرارداد ترکیه به آمریکا اجازه خواهد داد تا از ۲۶ پایگاه نظامی استفاده نماید.

بدین ترتیب منافع متضاد امیربا لستم آمریکا و سوسال امیربا لستم شوروی آنان را به رقابت و رویا روشی بیشتر با یکدیگر می‌کشاند و در این میان هر یک به هم خود می‌کشند تا در راه رسیدن به هژمونی، "دشمن را تضعیف نموده، در هژمونی اش خنده‌وار" آورند. سوسال امیربا لستم شوروی دقیقاً بر این چنین منطقی است که به کودتای امیربا لستی دست می‌زند. حال رفقای فدائی، این تجاوز و مستقیم نظامی و کودتا را "حمایت مستقیم اتحاد شوروی" در جهت منافع مردم نام می‌گذارند. تجاوز و مستقیم در جهت برآورده شدن منافع امیربا لستی با حمایت مستقیم "در جهت خدمت به مردم؟ ما از این رفقا شتوال می‌کنیم که بر اساس کدام اصل مارکسیستی - لنینیستی یک دولت سوسیالیستی حق تجاوز و کودتا در کشور دیگر را دارد؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید صادر کرد؟ ما رکیسم - لنینیسم بر علیه شما گواهی می‌دهد: زیرا اصل اساسی سیاست خارجی یک کشور سوسیالیستی انتر - ناسیونالیسم پرولتری یعنی کمک و پشتیبانی بی‌دریغ مادی و معنوی از انقلاب توده‌ها می‌باشد. در صورتیکه ارسال هزاران مستأجر و انجام کودتا برای سروری کار آوردن یک یا چند رویزیونیستی مزدور انترناسیونالیسم کمونیستی نبوده و بلکه مداخله امیربا لستی است. انقلاب توده‌ها نتیجه تکرار عمل مبارزه طبقاتی توده‌هاست. انقلاب یعنی درهم شکستن قهری دستگاه دولتی، یعنی سرنگونی طبقه ارجاعی و بقدرت رسیدن طبقات با طبقه انقلابی. انقلاب امر خود توده‌های میلیونی یک سرزمین است. سار زده است. کمائی که معتقد به صدور انقلاب

ولی ما با تمام اقوا با فشار دوجبهه اول و دوم دست می زنیم. زیرا این دوجبهه، دوجبهه امپریالیستی و ارتجاعی بوده و در رقابت با یکدیگر عمل میکنند و هر کدام از این جبهه ها برای سهم بیشتری از غارت و جپا و ل مبارزه میکنند.

برژنف این تزا رکزمین که همانند ما یبیر امپریالیستها عمل میکنند میگوید: "بدیهی است که هیچگونه مداخله با وجود داشته و ندارد (!) ما به افغانستان نوبتیا د، به تقاعای دولت، سن کشور در دفاع از استقلال ملی، آزادی وحیثیت کشور خویش در برابر عملیات تجا و زکارانه و مداخله مسلحانه از خارج کمک می کنیم." (مما جبهه برژنف،

ما رکسیم - لنینیم را نادیده گرفته اند !
از نقطه نظر لنین روبریونیستها عاملین و سگان نگهبان بورژوازی هستند، ولی از نقطه نظر رفقای فدائی روبریونیستها ی غذا نقلایی "جپ" و "ترقی - خوا" "بحساب می آید. این سیاست بفتح کیست؟ سیاستی که نه افشا کننده روبریونیسم بلکه مشا طه گر آن است، سیاستی انحرافی و خدمتگزار و تقویت کننده روبریونیسم و بورژوازی می باشد. سیاستی که در عصر امپریالیسم روبریونیسم، این جریان را بدشو - لوزیکی بورژوازی را "ترقی خوا" "بشمار می آورد، سیاستی است که علیه پرولتاریا و مارکسیم - لنینیم سنگر گرفته است.

● رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز شما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد: **۱. پرچم** - جبهه سوسیال امپریالیسم و پاندهای وابسته بدان نظیر "بیرک کارمل" **۲. دوم** - جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای مذهبی مرتجع روبریونیستها های خائن چین و رژیم مزدور پاکستان **۳. سوم** - جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی. ما همچون شما نه طرفدار جبهه اول، بلکه طرفدار جبهه سوم هستیم.

● از رفقای فدائی سوال می کنیم که چگونه روبریونیستها های "خلق" و "پرچم" که با ظاهرها سازش کرده بودند و "بیرک کارمل" مزدور که معتقد بود "ظاهرها"، "مترقیترین شاه آسیا" ست! و پس از بقدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار نفر زندانی سیاسی کشته شده اند، "جپ" و مترقی نامیده میشوند؟ و چگونه عمل سوسیال امپریالیسم روسیه که "ترقی" و "امین" را مسلح کرده است، از نظر آنان محکوم نیست و سلطه جویانه تلقی نمی شود؟

مندرجه در "مردم" ۲۴، دیمه ۵۸).
برژنف در پی آنست تا شوروی تجا و زکارا بدروغ منجی بشریت جا بزند و بدین طریق هر تجا و زحمله را موجه جلوه دهد. و رفقای فدائی بدینا لهری از روبریونیستها ی خائن کمیته مرکزی حزب توده، گرچه بطور خجولانه، به تائیدتها جمشوری و نوکوان بومی کودتاچی اومی پرداختند و تزاران جدید را به تائید و مبارکباد و بیبا آوران سوسیالیسم میزنند و می نویسند: "اتحاد شوروی ... دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند." (سر مقاله کار شماره ۴۰)

رفقای فدائی بجای افشای ما هیت تجا و زکارانه شوروی، همه توده های افغانستان را "ایله" و "نا آگاه" بشمار آورده و خواسته با نا خواسته به فریب توده های پرداختند. رفقای فدائی بجای افشای حکومت مزدور "بیرک کارمل"، آنرا مدافع منافع مردم حساب می آورند! ما سوال می کنیم مگر همین باند های روبریونیستی "خلق" و "پرچم" نبودند که به سازش با ظاهرها پادشاه سابق افغانستان پرداخته و در پارلمان شانه ها به به فریب خلق مشغول بودند؟ مگر همین "بیرک کارمل" مزدور نبود که معتقد نبود ظاهرها "مترقی ترین شاه آسیا" است؟! (آیا شاه مترقی همداریم؟! مگر همین "بیرک کارمل" سرپرده نبود که پس از بقدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار زندانی سیاسی کشته شدند؟ و مگر همین سوسیال امپریالیسم روسیه نبود که رژیمهای وابسته "ترقی" و "امین" را مسلح می نمود تا آنان به کشتار خلق بپردازند؟

رفقای فدائی! تشدیدگرا بش روبریونیستی در بقیه در صفحه ۴

● رفقای فدائی فقط صحبت از دنیوی متخاصم در افغانستان می کنند: یکی "نیروهای ترقی خوا" چون "پرچم" و "خلق" و دیگری فتوایا و عوامل امپریالیسم آمریکا.

رفقای فدائی برای اینکه دفاع شرمگینانه خود را از خالت سوسیال امپریالیسم شوروی موجه جلوه دهند، فقط از دو قطب فوق صحبت میکنند و نیروهای کمونیست و انقلابی که به محکوم نشودن تاجام شوروی می پرداختند را جا بجا شیار خائین و آمریکا قلمداد می کنند. رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز و بدیهه انگیزی شما، واقعیت مبارزه طبقاتی را نمی توان کتمان کرد. بنظر ما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد. اول - جبهه سوسیال امپریالیسم شوروی و باندهای مرتجع و جاسوسان وابسته بدان و در این میان رژیم "بیرک کارمل" که برخلاف گفتار شما به هیچوجه "در جهت منافع توده مردمی عمل" نمی کند. دوم - جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای فتوادل مذهبی مرتجع (که متاسفانه توده های از دهقانان نا آگاه را بدنبال خود دارند) و مجموعه نیروهای ارتجاعی بین المللی که از آنان حمایت می کنند، همچون روبریونیستها ی خائن حاکم بر حزب دولت چین رژیم مزدور پاکستان و ... سوم - جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی.

ما مدافع و پشتیبان جبهه سوم هستیم زیرا جبهه جنبش و انقلاب است، زیرا علیه هرگونه ستم و استارت امپریالیستی و برای آزادی واقعی مبارزه میکند. امروز نیروهای انقلابی و کمونیستی افغانستان ضعیف هستند ولیکن ضعف کمی آنها به هیچوجه نفی کننده حقانیت تاریخی و انقلابی آنان و نتیجتاً انجام وظیفه نترسان سونیالیستی کمونیستها ی جهان درقبال آنان نمی تواند باشد.

"پرچم" و "خلق" کردند. لیکن مسئله آنقدر روشن است که انکارنا پذیر است، زیرا حتی خود رفقا در برخورد با آنها صحبت از نیروی می میکنند که به "توده های وسیع دهقانان و حمتکش" آنکا نداشته و "در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده های دهقانان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می اندیشیده است" (سر - مقاله کار شماره ۴۰)

این مدعیان مارکسیم - لنینیم و مدافع توده ها که پیوسته به کسب قدرت نه از طریق انقلاب قهرآمیز توده ها، بلکه از طریق نفوذ در دولت و انجام کودتا در پارلمان اندیشیده اند، آنانکه به راه پارلمان و عنایت "بالای" ها چشم دوخته و به پرولتاریا و توده ها اعتماد ندارند، جزمیان "مجریان حقیقی رفرمیم" یعنی روبریونیستها میباشند؟ ما از رفقای فدائی سوال میکنیم چه فرقی هست بین روبریونیستها ی توده ای و احزاب پرچم و خلق؟ قبل از پیدایش شوروی شما به یک قدرت سوسیال - امپریالیستی، روبریونیستها بر اساس ما هیت سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود می کوشیدند تا راه پارلمان را راه پیروزی قلمداد کرده، توده ها را فریب داده و سلطه بورژوازی را تداوم بخشند. ولی از هنگامیکه شوروی حمت امپریالیستی پیدا کرده و به تهاجم مستقیم دست زده است، علاوه بر اینکه میکودتا تزرور روبریونیستی "گذا رما لمت آمیز" را تبلیغ کرده و در جنبش ها نفوذ نموده و آنها را به انحراف بکشاند، اضافه بر آن با آنکا به روبریونیستها های مزدور و سرپرستان بومیش با رها و بارها به تجاوز و کودتا نیز دست زده است. در واقع احزاب وابسته به شوروی با توجه به موقعیت خود سیاست و منافع سوسیال امپریالیسم روسیه در هر مقطع، حرکت خود را تنظیم می نمایند.

زمانی که خروخوف خائن همزمان با سازش با آمریکا به طرح "ترگذا رما لمت آمیز" پرداخت و با رژیم وابسته شاه وارد "مناسبات ملح آمیز و متقابل" گردید، کمیته مرکزی حزب توده به تائید "فرمهای ارمی" شاه و "سلطنت شاه" دست زده و خواستار آزادی فعالیت علنی می شود و زمانی که مبارزات توده ها در میهن ما بیش از پیش رشد یافته و با اوج و اعتلای انقلابی روبروست و در عرصه بین المللی نیز بین شوروی و آمریکا رقابت شدت یافته و بدین لحاظ شوروی با رژیم شاه آمریکا کج افتاد، کمیته مرکزی حزب توده به طرح تزارتجاعی "جبهه ضد دیکتاتور" "با شرکت جناح دور اندیش هیت حاکمه" اقدام کرده و از "غربت مسلحانه ناگهانی" ویا کودتا صحبت می کند.

این قانومندی حرکت احزاب روبریونیست و سرپرده شوروی است. سیاست آنها بر مبنای است و منافع توسعه طلبانه شوروی می چرخد و حرکت باند های روبریونیستی "پرچم" و "خلق" از این قاعده مستثنی نبوده و نمی باشد. این باندها از دیرباز از نگهبانان منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و فرستگها فرستگ بطور کیفی با احزاب و نیروهای راستین مارکسیم - لنینیت و انقلابی فاملیه دارند. آنان مانند حزب توده در حرف و ثیادانه از مارکسیم سخن می گویند، ولی در عمل عاملین اجرای سیاست شوروی می باشند، حال رفقای فدائی به این باندهای روبریونیستی - انتقاد دوستانه "می کنند که چرا" آموزش های انقلابی

بقیه از صفحه ۶ سپاه رزگاری ...

روابط این دارودسته با به جدی نزدیک بود که بین آنها هادای مخصوص ردوبدل میشد. رهبر دیگر آنها شیخ صالح، عباس خوشگذران با پول ناشی از دسترنج مردم زحمتکش کردستان و کاهای ترکمن صحرایه بعنوان هادای به بارگاه آنها داده میشد به عیش و نوش پرداخته. آنها که با "فروزان" همیشه هوزمان شاه ازدواج میکرد، آنها به این اکتفا نکرده گاهی گستاخی راجدی میرساندند که از مریدانشان هادای انسانی میگرفتند. آنها حنا بتکاری هستند که از جاذبه ها موس مردم دزدی، غارتگری اموال عمومی، جاسوسی، خود فروشی، فحشا و انواع هرزگی بدطولانی دارند. آنها کاخ حکومتشان را از راه بیکاری مردم زحمتکش و پولهای که از راه واک دریافت میکردند بنا نمودند. این حنا بتکاران در هنگام قیام مردم ایران از ترس انشعاب خود راهبان ستمیهای عراق انداختند و اکنون که جنبش وثاومت خلق کردستان خود را به اثبات رسانیده است و در سطح بین المللی جای شخص خود را یافته است، حکومت بعث عراق به بتکاران افتاده و برای سکا اندازی در راه این جنبش مهره های خود را یکی پس از دیگری بکار انداخته و این دارودسته خود فروش را در کردستان ایران علم کرده است. با آرایش طریق به خیال خود جنبش خلق کردستان را سر راه بیکانند و هم در کل جنبش رها نشی بخش خلق های ایران احلال کند. حکومت بعثی با دادن پول و اسلحه به چنین دارودسته ای افکار پلید خود را مسخو و هدیه دهد کند. شاهزمان که بخود دستاوند از وجود آنها آن حنجره ها آکس را در جنبش خلق کردستان سرد و کینه در حالیکه حکومت بعث در کردستان عراق کمربندی در مرزهای خود با سوریه و ترکیه و ایران به پهنای ۳۰ کیلومتر را به سرزمین سوخته تبدیل کرده و در حالیکه هزاران نفر از میان زمین کردستان عراق را در زیر شکنجه اعدام کرده است و حتی قطعه قطعه نموده و بیش از نیم میلیون مردم آنها را کواچانیده و در حدود ۱۳۰۰ ده را با خاک یکسان نموده چگونه میخواهد از حقوق خلق کردستان دفاع نماید؟

انقلابیون کرد و خلقهای دیگر ایران به پیاری نموده های زحمتکش بوز این جنایتکاران را بر زمین خوار و همالید و دیگر رهبران جنایتکاران را به رزگاری نخواهند توانست توطئه ها شان را نکل بدهند. زیرا آنها با فخر انقلابی خلق کرده که عمیقاً از پشتیبانی خلقهای ایران برخوردار هستند، روبرو میباشند و آنها را برای سومین بار در به در و آواره خواهیم یافت. با راول بعثت خدمت به فیمل پادشاه نوکرا میربالیسم انگلیس در برابر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۵۸ که در نتیجه به ایران گریخته به دامان ساواک پناه بردند. با فخر انقلابی نموده های مردم ایران روبرو گشتند و به جرم خدمت به خاندان جنایتکار پهلوی به دامان آریا بان بعثی - شان فرا کردند و این بار با زبانی انقلابی خلق رزمندگانه در کردستان ایران و با فخر انقلابی پیشرگان خلق روبرو هستند که راه فرار نیز نخواهند داشت و عاقبت به دام خواهند افتاد. اکنون نمونه -

هاشی از جنایات عده ای از رهبران این دارودسته را بر می شماریم .

در سالهای ۴۳ و ۴۵ یکی از این رهبران زمین ها و باغات مردم زحمتکش قریه "توسین" واقع در "هوزمان" را غصب کرده و با سند جعلی همان زمینها را به ما حیان آنها اجاره داده است. همین شخص در جریان کودتای ۲۸ مرداد نقش موثر داشت و یکی از باران وفادار شاه بوده است. با همین شخص ویکی از پسرانش در راه شیزال ۵۸ بزرور اسلحه از مردم زحمتکش توسین بهره مالکانه گرفته اند. مبارزه مردم زحمتکش توسین همواره علیه این ظالمان جنایتکاران ادامه داشته است و همواره ساواک و زانداران مری از این جنایات پشتیبانی کرده اند، حتی در این راه شهید ملا مین حیدری که توسط شیخ بزرندان افتاده شهید گردیده است.

یکی دیگر از رهبران آنها در زمان شاه عضو مجلس شورای ملی بود، ۲ نفر دیگر کارمندان رادیو - تلویزیون و ما مورا واک، در زمان شاه جلد این دارودسته همواره در مقام اعیان دوشنبه های شاهانه بصورت فعال شرکت کرده، مردم را نیز در این راه فریب می دادند. افراد مسلح این سپاه هم اکنون از چنده بزرور اسلحه و پول دریافت کرده اند. در قریه برده رسته مریوان رئیس سپاه شیخ مادی زمینهای دهقانان را بزرور غصب کرده است. در قریه سورکسه ول مریوان شیخ محمدنامی نه تنها زمینهای دهقانان را بزرور غصب کرده بلکه با راهان موس مردم را مورد تها و خود قمار داده است.

بیش از یک ماه و نیم از تشکیل سپاه رزگاری نمی گذرد که حدود هزار تا هزار و دویست (۱۲۰۰) نفر را از مردم ساده و زحمتکش با پول و اسلحه بعث و شاه مسلح نموده اند. مردم ساده ای که با طریقه کاری و حتی خوشبختی نسبت به مسئله خود مختاری و حتی عده ای تنها به عشق به دست آوردن اسلحه به آنان روی آورده اند. و با آگاهانه نهد امیر هیران جنایتکار سپاه رزگاری افتادند. اینها فریب خوردگانی هستند که گاهی تدارک می بینند و با افشای بیدارشان کرد. سپاه رزگاری در بین مردم پایگاهی ندارد. تنها اتکای آنها به اسلحه و پول عراقی است و تا کنون از چندین ده بیرونشان کرده اند. آنها به دروغ و ریاکارانه خود را دوست نیروهای مترقی معرفی میکنند تا جای پائی بدست آورند و بر عکس در جاها که پایگاهی داشته باشند علیه این نیروها تبلیغ میکنند. آنها خود را دوست "گومله" معرفی میکنند تا بدین ترتیب افراد مسلح خود را که اکثر آن از زحمتکش روستا هستند فریب دهند. آنها تا کنون هزاران قبضه اسلحه و صدها هزار دینار عراقی دریافت کرده اند و ما خوب میدانیم که این سیل عظیم پول و اسلحه به ایران تنها میتواند عواقب وخیمی ببار آورد، لطافت جبران ناپذیر به جنبش خلقهای ایران وارد آرزو در راه جنبش طبقه کارگران ایران موانع بزرگی ایجاد کنند. این دارودسته میتواند در آینده بعنوان نیروی سرکوبگر در آید. این مهم نیست که افشار آنها در دست چه کسی باشد، شاه - آمریکا - بعث عراق و یا جمهوری اسلامی ایران. تنها بر علیه انقلابیون واقعی چه در کردستان و چه در نقاط دیگر

ایران - سنگرمترجمین و پناهگاه مالکین و جاشها خواهد بود .

با توجه به چنین اوضاع و احوالی و خطراتیکه وجود چنین نیروهای میتواند برای انقلاب ایران - عموماً و جنبش خلق کردستان داشته باشد. سازمان (گومله) تصمیم خلق سلاح این نیروی وابسته به اجنبی را گرفت. برای ازمه پاشیدن تشکیلات سیاسی و نظامی این دارودسته از همه نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک و کارگری در کردستان و در سرتا - سرایران میخواستیم ما را از نظرسازی و نظامی باری دهیم. بخصوص کمکهای سیاسی در افشای چنین نیروهای که در سطح کردستان و چه در سرتا سرایران ما را باری خواهد داد تا هر چه بیشتر و وسیع تر عمل انقلابی خود را توسعه داده و به حیات نیروهای مترجم و وابسته باین دهم. در این راه دست توانمندی زحمتکش انقلابی ایران پشت و پناهما خواهد بود. از خلق ستم دیده کردیم میخواستیم ما را کمک کنند تا نگذاریم با دیگر نیروهای بیگانه پرست با پول و اسلحه خارجی ها بر سر نوشتشان حاکم شود و ما زره حق طلبانه ستم دیدگان کرد را به (شاه) (۱) دیگری بدل کنند. تنها با اتحاد نیروی لایزال زحمتکش میتوان در مبارزه طبقاتی پیروزی واقعی را در آغوش گرفت.

"مرگ بر نوکران بیگانه"
"پیروزی با مبارزات طبقاتی زحمتکش"

"سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران -
گومله"
۵۸/۱۱/۹

(۱) - (شاه به تال) اصطلاحی است که بعد از خیانست با رزانی در کردستان عراق و ازمه پاشیدن جنبش آن سازمان بکار بریده میشود (بمعنی تمام شدن کار جنبش)

بقیه از صفحه ۹

پیروفره های "مسلمان" ...

به این هدف عیار رست از بهره گیری از احساسات مذهبی مسلمانان به نفع آمریکا و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست در کشورهای مسلمان نشین جهان. کاری که قبلاً از طریق ما موری بودایی در هندو مسیحی در کشورهای آفریقایی و ... صورت میگرفت. برای اجرای مقدمات این طرح فعلاً ۳ میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است و قرار است سه فرستنده رادیویی بر نامه های به زبان عربی (برای مسلمانان کشورهای عربی)، فارسی (برای ایران و افغانستان و تاجیکستان شوروی) و ترکی (برای ترکیه و آذربایجان ایران و شوروی) پخش نماید. اما آیا امپریالیسم آمریکا با این بر نامه ها خواهد توانست طوفان انقلابی در کشورهای مسلمان نشین را که خلق ایران طایفه آن بوده است مهار کند؟ حداقل پاسخ مردم ایران تا حدی روشن است. اگر حاکمان مسلمان و خیلی اسلامی امپریالیسم در ایران، نظیر آقای بازرگان و

بقیه در صفحه ۱۴

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

زنگهای خطر ...

ومدنی از مدت‌ها قبل خود را برای ریاست جمهوری آماده کرده و به تبلیغات وسیعی دست زده بودند. گرچه این امر می‌تواند بعنوان یک عامل فرعی مؤثر بوده باشد، لیکن توسل به این استدلال بعنوان عامل اصلی، فریبی بیش نیست. برای نشان دادن بطلان چنین استدلالی کافی است تا به نتایج آراء مرکز اقتدار و روحانیت یعنی شهر قم نظر افکنیم.

بطور قاطع میتوان گفت که روحانیت و مذهب در این شهر بیشترین نفوذ را دارد و در واقع قم را میتوان پایتخت روحانیت نام نهاد. اما در همین شهر و در حالیکه «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» که ستون اصلی جامعه روحانیت است، از «حبیبی» حمایت نموده بود، بنی صدر با فاصله چشمگیری در صدر آراء قرار میگیرد و ۱۵ هزار رای را بخود اختصاص میدهد. در حالیکه «حبیبی» نمیتواند بیش از ۱۴ هزار رای یعنی ۱/۳ آراء بنی صدر را بدست آورد! آیا این دهن گبی مردم قم به کرسی نشینان جامعه مدرسین نیست؟!

و اما نمونه دیگر در شهر بزرگه آیت الله صدوقی از نفوذ بسیاری برخوردار است (و یا شاید بهتر است بگوئیم که برخوردار بود!) علیرغم «فتوای» او مبنی بر حمایت از «حبیبی» مردم با دادن ۷۱۷ هزار رای بنفع بنی صدر، او را بمقام اول رساندند. حبیبی در این شهر حتی نتوانست مقام دوم را احراز نماید و «مدنی» جای او را گرفت و او با تعداد ۸۰۸۸ رای یعنی ۱/۳ آراء بنی صدر، در مرتبه سوم قرار گرفت! آیا کسی هست بگوید که مردم بزد، «فتوای» آیت الله صدوقی را به گوش نشنیده اند؟! چنین شکستی برای روحانیت و حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات از حبیبی حمایت نمودند، در طول حیات رژیم جدید، براساسی بسیار بده است. آری نتایج انتخابات زنگ‌ها را برای اینان بصدا درآورده است.

بیهوده نیست که آنها سخت در تلاشتن تا شکست خود را با پیروزی در مجلس شورای ملی جبران نمایند. کوشش آنها این است که بتوانند در پارلمان، کرسی‌های هر چه بیشتری برای عناصر وابسته بخود اختصاص دهند تا بتوانند پایه‌های قدرت خویش را در حاکمیت سیاسی مستحکم نمایند و ابزار «کنترل» رئیس جمهوری را - که با او تفاهم چندانی احساس نمی‌کنند - در دست خود حفظ نمایند. منطقه‌ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی در شهرها، از همین تلاش‌ها سرچشمه می‌گیرد.

۳ - تیمار مدنی با ۲/۴۱ میلیون رای، پس از بنی صدر قرار گرفت. همانطور که در گذشته گفتیم احیاناً «مدنی» در انتخابات ریاست جمهوری و بطور کلی در صحنه سیاست ایران، «راست‌ترین جناح‌های بورژوازی می‌باشند» که در تلاش استقرار یک رژیم کاملاً دست راستی و وابسته به آمریکا در ایران می‌باشند. و در روش سیاسی نیز خواهان توسل به سرکوب و کشتار و شیوه‌های خشونت‌بار در اعمال حاکمیت می‌باشند، چرا که این روش را تنها راه برقراری نظم ارتجاعی خود می‌دانند.

تیمار مدنی از مدت‌ها پیش خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کرد و تبلیغات انتخاباتی خویش را از زمان آغاز نمود. برنامهم دراز مدت تیمار مدنی این بود که با سوار شدن بر امواج نارضایتی مردم بویژه از روحانیت خویش را به ساحل «پیروزی» برساند. او درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت سیاسی تعداد مراکز قدرت و هرج و مرج ناشی از آن را که براساسی مردم را کلافه می‌کرد، زمینه‌ای برای تبلیغات سیاسی خود قرار داده بود. تیمار مدنی در نواحی معینی آراء بیشتری بدست آورد. او در تهران، مرکز سرما به داران وابسته و بورژوازی لیبرال و بوروکراتها و کارمندان عالی‌رتبه دولتی و ارتشی نیم میلیون رای آورد (یعنی حدوداً بیش‌تر از ۱/۳ آراء بنی صدر).

در حالیکه نسبت آراء مدنی به بنی صدر در کل ایران حدوداً ۱/۳ بود، همچنین او در تبریز با ۷۴۰۳۴۹ تعداد رای (یعنی حدوداً بیش‌تر از ۱/۳ بنی صدر) موضع نسبتاً قوی پیدا کرد. چرا که تبریز مرکز نفوذ مرجع بورژوازی لیبرال آیت الله شریعت‌مداری و طرفداران اوست. مرجعی که دنبال امثال تیمار مدنی میگردد. همین‌طور در استان سیستان و بلوچستان نیز مدنی با ۹۴۲۹۷ رای (یعنی بیش‌تر از برابر بنی صدر) موقعیت ممتازی داشت. چرا که از هادن مرکز جمع و سلطه خوانین و آخوندهای مرتجع سنی مذهب (مولوی‌ها) است و اینان بین خود و تیمار مدنی وجه اشتراک بیشتری می‌بینند تا دیگران. اما شاید خوشبختانه پنداشت که مدنی در راه جلب اقبال ریا نشین ترموفیقی بدست نیاورده است. ۲۴۰۵ آراء ریخته شده در صندوق بنفع او، تنها به نیروهای ارتجاعی و راست‌گرای جامعه اختصاص ندارد. توده‌های بسیاری از اقشار متوسط کسبه‌خواهان یک «نظم» در جامعه هستند، بخش بزرگی از این رقم را بخود اختصاص میدهند. وضع اقتصادی و اقتصادی، نابامانی سیاسی و تمایلات اقشار و رفاه خرد بورژوازی به ازین بردن بحران و کناک‌کشی سیاسی و بالاخره تمایلات غیر مذهبی این اقشار، زمینه‌های عینی و ذهنی مساعدی را در میان این نیروها بوجود می‌آورد که بطرف تیمار مدنی کشیده شوند.

این زنگ خطری است برای مردم و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها. در چهره تیمار رشا هتاهی «مدنی» بوضوح میتوان نقش یک «پینوشه» و «بلا رفا خان» ناشی را مشاهده نمود. مدنی به مثابه نماینده راست‌ترین جناح‌های سیاسی درون هیئت حاکمه و با جاذب آراء آن، در کمین نشسته است. او با پایان انتخابات ریاست جمهوری، کار خویش را پایان یافته تلقی نمی‌کند، بلکه همچنان در تدارک برنامهم دراز مدت خویش است. او از یکسوا اعلام میکند که در آرگانهای اجرایی رژیم جدید شرکت نمی‌جوید و از سوی دیگر سخت در تلاش برای انداختن یک تشکیلات و حزب سیاسی است. این دو عمل، اجزاء متفاوت برنامه‌های دراز مدت او هستند.

■ - رقم دقیق ۱ به ۴/۸ است.

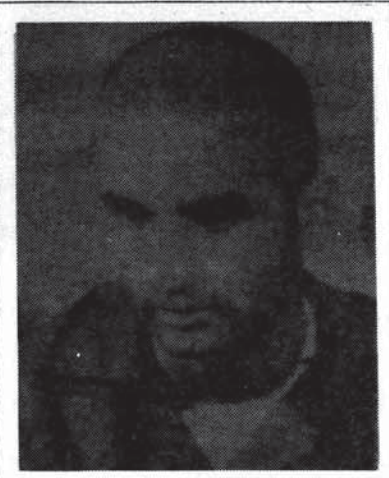
مدنی از یکسوا تیزبینی خاصی، افول سیاسی سریع قدرتمندان کنونی را پیش‌بینی کرده است و از همین روی می‌کوشد تا حتی الامکان در طی این دوره خویش را از دایره قدرت اجرایی به دور نگه دارد و و یا حتی به مخالف خوانی با هیئت حاکمه بپردازد و از سوی دیگر می‌کوشد با راه انداختن یک حشوب، حضور خویش را در صحنه سیاست فعال نگاه دارد و یا شاید با گرفتن یک موضع حزبی «مخالف نسبت به حاکمان کنونی» به جذب توده‌های ناراضی بویژه اقشار متوسط بصمت خویش بپردازد.

چنین خطری را نباید دست کم گرفت و روندها و اوضاع سیاسی جامعه در صورتی که نیروهای انقلابی و مترقی نتوانند صفوف پراکنده خویش را متشکل نموده و از اوضاع کنونی بنفع انقلاب و استقرار یک نظم انقلابی، بهره‌گیرند، بنفع قزاقا - نی چون «مدنی» سیر خواهد کرد. جامعه نمیتواند مدت زیادی در هرج و مرج و نابامانی بسربرد و مردم نیز نمی‌توانند چنین وضعیتی را زمان درازی تحمل کنند. آنها طالب یک «نظم» هستند، یک نظم انقلابی بسودر حتمتکشان جامعه. لیکن در چنین شرایطی و انقلابی و مترقی، نمیتواند این فرصت را بوجود آورد که دوره هرج و مرج کنونی بنفع استقرار یک نظم ارتجاعی، بوسله «مدنی» ها خاتمه یابد. این خطر کوچکی نیست. توده‌ها را باید این خطر آشنا ساخت. نتایج انتخابات زنگ‌های خطر را تنها برای روحانیت و کل هیئت حاکمه بمدی در نیاورد، تا سرعت سقوط خویش را در سراشیب انفرادی و انزوا رفته‌ها دریابند، بلکه آن را برای توده مردم و نیروهای انقلابی جامعه نیز بمدی در نیاورد تا بخود آیند و اجازه بدهند که تا قزاقانی همچون مدنی به نمایندگی از راست‌ترین جریانهای بورژوازی، با بهره‌گیری از نارضایتی مردم، در یک فرصت طلایی، توطئه‌های خویش را بشمر برسانند و روندها و اوضاع را بنفع خویش خاتمه دهد.

در حالیکه جبهه ملی و نهضت آزادی افشا شده و عملاً بیک جریان مرده تبدیل شده‌اند، در حالیکه بسیاری از احزاب کوچک و بزرگ بورژوازی (حزب جمهوریخواه...) در طی این مدت نتوانسته‌اند عملاً بیک جریان سیاسی حاضر در صحنه تبدیل شوند، و در حالیکه حزب خلق مسلمان متلاشی شده است، این «مدنی» است که با اتکا به مواضع گذشته خود در هیئت حاکمه و برنامه‌های تدارکاتی اش طی این مدت به اعتبار همراهی با هیئت حاکمه و «خطا مام» ... میتواند بدیهترین امیدنیروهای ارتجاعی، بورژوازی لیبرالها و امپریالیسم، برای بازگشت به قدرت مداخلی شان با خصوصیات پیشین تبدیل شود، تضادهای درون هیئت حاکمه، بحران شدید اقتصادی، رکود، بیکاری، تورم، گرانی فزاینده، هرج و مرج در جامعه و ... میتواند زمینه‌عینی جذب و جلب بخش وسیعی از توده‌های خرد بورژوازی را در طی روندها ناامیدی و زدگی از حرکات و سیاست‌های هیئت حاکمه و بویژه روحانیت بصمت این بلوک ارتجاعی، فراهم سازد و چشم انداز دست‌یابی بیک نظم ضد خلقی را برای بورژوا - فاشیست‌ها می‌همچون مدنی ترسیم نماید. آری زنگ‌های خطر را باید بمدی در آورد! ■

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

گرامی باد خاطره رفقای شهید



محسن بطحایی

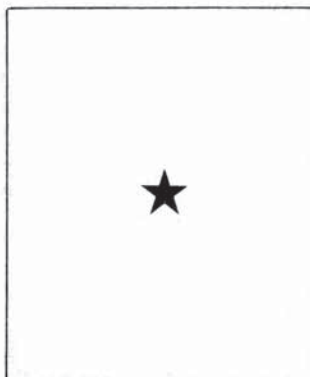
با مشارکت زنان انقلابی از خود نشان می داد. با داین رفیق شهید گرامی باد. رفیق شهید محسن بطحایی با علنی بودن خود امکانات قابل توجهی را در اختیار زمان قرار می داد و جنبش را در راه پیشبرد اهداف انقلابیست باری می رساند. او در شاخه نظامی سازمان فعالیت میکرد و یکبار در همان روزهای پیگردشیدنی زیرکشی و هشاری تمام توانست ما مورین ساواک را بغریبید و فرار کند و ولی مجدداً شناشی دستگیر شد و سرانجام پس از تحمل شکنجه های سخت محکوم به اعدام گردید و در سوم بهمن ماه به شهادت رسید.

رفیق محمد طاهر رحیمی نیز که همراه با ایمن رفقا به شهادت رسید بر سر قرار با یک سمیت دستگیر شد. رفیق در شاخه نظامی فعالیت داشت و در راه حمایت از خلق و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و عمل داخلیش جان داد.

درود بر همه شهیدان زاهد آزادی و استقلال درود بر شهیدانی که در راه منافع زحمتکشان جهان باختند.

بقیه از صفحه ۱۲ پروفیسورهای "مسلان"...

یزدی، جمران و بهشتی و شریعتمداری... توانسته اند مانع از حرکت و رشد انقلاب در ایران گردند و آنرا شکست دهند، امپریالیسم آمریکا از طریق "پروفیسورها مدالگار" و "ما نالهم نیز موفق خواهد شد. اما در مورد با برخلقیهای جهان با بدگفت مردم ستم دیده جهان در کشورهای عربی و مسلمان نشین تجربه بسیاری در این زمینه دارند؛ با لیاقت که حکومت اسلامی فیمل در عربستان سعودی توده ها را به بند کشیده است، جنایات امپریالیسم آمریکا در اندونزی بنام اسلام و بدست "سوارتوی" جلال (دیکتاتور فعلی اندونزی) و کشتار و قتل عام فجیع و جنایتکارانه بیش از ۵۰۰ هزار نفر از کمونیستها و مبارزین اندونزی بجرم خدا مهربا لیست بودن... همه و همه پیش روی خلقهای جهان است، جمهوری اسلامی ضیاء الحق این سرسپرده امپریالیسم آمریکا در پاکستان در جلوتیم جهانیان است و... امپریا - لیسم آمریکا با این سادگی قادر به مبارزه با گردن انقلاب در کشورهای تحت سلطه و مسلمان نشین نیست.



محمد طاهر رحیمی

جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق منیژه اشرف زاده کرمانی فارغ التحصیل مدرسه عالی با زرگانی و کارمند سازمان برنامهمی بود و در دوران دانشجویی با گروههای مرفقی آشنا شد. آگاهی بیشتر او به ما هیت ضد خلقی رژیم شاه از یک طرف و رنج عظیم زحمتکشان از سوی دیگر او را بسوی پیوستن به مبارزه انقلابی کشاند. او به بحث مشعب از سازمان مجاهدین خلق پیوست و با آنکه متاهل و بچه دار بود، در آن شرایط بسیار دشوار از ازا استعداد و نیروی انقلابی خود برای رهاشی زحمتکشان مایه گذاشت. رفیق منیژه در شاخه نظامی سازمان فعالیت داشت و به "جرم" وفاداری به آرمانهای خلق در سیدادگاه رژیم به اعدام محکوم شد. او اولین زنی است که در تاریخ جنایات رژیم شاه به جوخه اعدام سپرده شد. چنین حکمی از سوی دشمن، خود نشانگر خشمی بی پایان و در عین حال مایوسانه بود که رژیم در قبال ادامه فعالیتهای انقلابی آهیم



در شماره قبل با داین رفیق شهید منیژه را می را آوردم، چون در آن هنگام عکس رفیق در دسترس نبود در این شماره اقدام به چاپ آن نمودیم.



منیژه اشرف زاده کرمانی

در سال ۵۴. زمانیکه اقدامات سرکوبگرانه فاسیستی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائسین برای رسیدن کردن مبارزات خلق در نهایت اوج خود بود و ساواک، کمیته مشترک ضد مطلق خرابکاری پس از چندین سال جنایات و خشناک عدم کارآیی خود را در نابود کردن نیروهای انقلابی به اثبات رسانده بودند، زمانیکه سرما به های امپریالیستی و عمال و ترکاری داخلی آنها برای ایجاد و حفظ "امنیت" به انواع سبدهای پلیسی سرکوب متوسل می شدند، زمانیکه دیکتاتورگری و زندان و شکنجه و اعدام به نفع "حرف کسیدن" و با مطلق تنبیه بلکه عمداً شکل امنی محوشی ددمنشا به خود گرفته بود، در سال ۵۴ زمانیکه امپریالیسم آمریکا از نشت خشم دیدن سرهم می فرود و خواستار ناسازی و ریشه کن کردن نیروهای انقلابی بود که با اعدام انقلابی مستشاران نظامی آمریکا به آنهمه قدرت جهنمی سیاسی و نظامی و پلیسی دهن کجی میکردند و خشم فوران یافته زحمتکشان ما علیه سلطه امپریالیسم آمریکا را در عملیات و سیاست و فعالیتهای انقلابی خود منعکس می کردند.

آری، در این زمان که عاصمت جوان دیروز و انقلابی نماهای امروز را برای سربرون آوردن از گریبان ننود و هر کدام بنحوی به توجیه مکتوبات زمانیت آمیز خائنه خود مشغول بودند، نیروهای انقلابی مبین ما جان سرک همرا با عشق آتشین به خلق و کینه و بددشین خلق در راه سربردن به دشمن اصلی خلقهای ایران - آمریکا - واقفای جنایات بینم را و و عمال اش بطور خستگی ناپذیر میسازره می کردند.

رفقای شهید، منیژه اشرف زاده کرمانی، محسن بطحایی، و محمد طاهر رحیمی از بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران از جمله ایمن انقلابیون بودند. پس از اعدام انقلابی دوستدار جاسوس آمریکا شریک ترن و سرهنگ شیری زرد تابستان ۵۴ تورهایی متعقب و مراقبت بیش از پیش گسترده شد و این رفقا همراه با عدهای دیگر به اعدام افتادند. آنها تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفتند و پس از تحمل چندین ماه شکنجه طاقت نیاورند و سرانجام در صبحگاه سوم بهمن ماه ۱۳۵۴ به

هنرمقاومت هنرپرولتری



درباره این صفحه :

هنرمقاومت، هنرپرولتری: يك نیاز مبرم

آنکه در راه کمونیسم میجنگد

آن که در راه کمونیسم می جنگد
بیتواند باید
که بجنگد و بجنگد
که حقیقت را
به زبان آورد
و بنیارد
که بهماهی خیزد
و بخیزد
و خویش را بخطر اندازد
و ز خطر بگریزد
بشنا سندی گاه
گاه ما شنا سندی
آن که در راه کمونیسم می جنگد
از فضیلت های جهان یک فضیلت داراست
این که در راه کمونیسم می جنگد
پرولت برشت
نقل از "اقدامات انجام شده"

● بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م.ل آنست که تلاش بپیکر خود را در راه رشد هنرا نقلاسی بکار گیرند و ویژه با تبلیغ و ترویج دستاورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات ، وظایف خود را در رصیف داندن این ابزار و به کارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند .

جبهه انقلاب ، هیچگاه بدون سنگر نکست ناپذیر هنرمقاومت نبوده است . این ، زندگی است که عظیم و انبوه از خلال پیکارهای با یان ناپذیریش می رود و در تلاطم خویش نیروی بزرگ خود را می نمایاند . انقلاب اجتماعی چونان عالی ترین شکل دگرگونی زندگی ، انعکاسی از این تغییر مداوم ، انعکاسی از قانون تخطی ناپذیر طبیعت و جامعه ، انعکاسی از شکست کهنه و پیروزی نو است .

ما ، اینک در کنا کش شگرف یکی از بزرگترین انقلابات اجتماعی ، در گریز و در نبردی به وسعت تمام ایستادندگی هستیم . پرولتاریای قهرمان ما خواهان به یان رساندن پیکار و ادبیات میربالیستی - ضد اجتماعی است ، خواهان تغییرات به آفرات ، خواهان بالندگی سرفرازان زندگی است ، خواهان به رفغان آوردن دموکراسی برای توده ها و شخم زدن کشتزار سترون برای کشت دانه های بارور سوسیالیسم است و بالاخره خواهان نابودی جامعه طبقاتی است که چون غاری در چشم از می خلد .

از این رو ، و انبیا ز مندی بکارگیری همه ابزارهای است که زندگی می آفریند تا زندگی را دگرگون سازد . او سیراب ناپذیر ، بسوی چشمه های چونان آگاهنی طبقاتی رومی سپارد و هنر و ادبیات ، به مثابه یکی از اشکال آگاهی ، آنچیزی است که طبقه کارگر نمی تواند از آن چشمپوشی کند ، طبقه کارگر به هنر خود با زده ، رد ، او هنری را می طلبد که همراه تللیک توب های انقلاب مغیر رگبار و آه ها ، اصوات و نقشها بش به گوش برسد ، او هنری را می طلبد که آینه رنجه ، آرمها ، عواطف و همه آن آرزوها و رویاها باشد که نه در جهت تعریف واقعیت بلکه در جهت پیشبرد امر انقلاب ، در جهت انعکاس هر چه عمیقتر حقایق گام بردارد . آری ، انقلاب به هنرمقاومت نیازمند است ، چرا که هنرمهمهنمونان جزئی از ایدئولوژی پرولتاریا در خود درونی ترین تمايلات طبقاتی را برای تفسیر مناسبات اجتماعی منعکس می سازد . هر چند ارتباط هنر و ایدئولوژی به مثابه ارتباط خاص و عام دارای ویژگیها و پیچیدگی های مشخصی است .

سنگر هنر و ادبیات به انقلاب خدمت میکند؟

این سنگر با شعله و رنگ و دانه شدن شورا انقلاب ، با انعکاس روحیات طبقات انقلابی ، با بیان سازش ناپذیر و آرای درونی و پنهان ستمی که بر توده ها می رود ، با آفرینش خلافتنه آن واقعیتی که محکوم به تغییر است و با غلبه آرمها و نگرانیها به بر مومع توان فرمای راه انقلاب ، تا شیری انکارناپذیر در است حکام و پیشرفت فعالیت انقلابی ایفا می نماید .

این درست است که روشنفکران به سبب موقعیت ویژه خود ، به سبب تخصص خود در فعالیت ذهنی از توانائی و قابلیت های مشخص فراوانی در زمینه کار هنری برخوردارند ، این درست است که سراسر جامعه طبقاتی این مهر را بر پیشانی خود خواهد داشت که تفادین کار بیدی و کار فکری در آن برقرار باشد ، این درست است که بسیاری از هنرمندان طبقه کارگر و چه بسا قدرتمندترین آنان از میان طبقات غیر پرولتاریا برخاسته اند ، اما همه اینها نمی تواند دلیلی قانع کننده برای دورنگاه داشتن عناصر مستعد طبقه کارگر از فعالیت هنری باشد . طبقه کارگر تنها بدین سراسر این واقعیت سرفروند آورد ، طبقه کارگر با بدخود را تا مدتها کندن آهنگ اکتون در همه زمینه های زندگی اجتماعی فعالانه به مبارزه برخیزد ، طبقه کارگر تنها بدین سرفروند روشنفکران حرفه ای و فقط آنان ملاطبت فعالیت در رشته هنر را دارا هستند ! ما موظفیم استعداد کارگزارانی را که در خود رغبت و میلی طبیعی بکار در این رشته میبندند ، رشد دهیم . ما موظفیم به کارگران برای کسب شایستگی در این رشته باری رسانیم و از همین روال نام رفقای کارگرمی خواهیم به هر طریق که می توانستند آنها را خود را برای ما بفرستند .

این مفهومی توانستند تنها سهمی کوچک از نفوذ و گسترش ایده های لنینی از ادبیات و هنر انقلابی را بدوش کشد و پیروزی همه جانبه در این راه را به کار تمام نیروهای م.ل ، همه متخصصین و افراد مارکسیست لنینیستی که بطور حرفه ای بکار هنر و ادبیات می پردازند و همه آنانانی که می توانستند در این راه به مبارزه برخیزند ، دارد .

ارتش انقلابی هنر ، در جبهه انقلاب ، تنها در صورتیک تنها جم گسترده و متشکل و بوجود آوردن یک جبهه مقاومت ، بوجود آوردن یک جریان متحد و آگاهانه ، میتواند تحریکی موثر در سرنوشت هنر و ادبیات انقلابی ایفا نماید .

با اینهمه ، و با وجود دنیا زمیری که به رشد هنر نوین در طبقات زحمتکش احساس می شود ، هنر پرولتری که اینک با بدین پیشا پیش صف خلق فراگیر و سرود رزمجوبانه خود را در نهاد زنفود و رنجه سراسری سرور دارد ، راست ، سرکوب و حشانه ادبیات انقلابی ، ایجاد و جواختناق و محدودیتی که هنرمندان خلق را همچون ما همان جدا از آب ، از زندگی توده ها دور نگاه داشته است و عدم وجود یک نیروی رهبری کننده که زمینه مسا عدرا برای رشد ادبیات توده فرا هم آورد و ... همه و همه از جمله عواملی بوده است که آنرا در تنگنای مرکبای قرار داده است . راه گریز از وضعیت بحرانی هنر و ادبیات ما که خود میبانی گسترده است و نیاز به ارزیابی زرف دارد بسته به عوامل گوناگونی است که در این میان به نقیض عنصر آگاهی نباید که به داد .

بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م.ل آنست که تلاش بپیکر خود را در راه رشد هنرا نقلاسی بکار گیرند و ویژه با تبلیغ و ترویج دستاورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات ، وظایف خود را در رصیف داندن این ابزار و به کارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند . ما با گشودن صفحه "هنرمقاومت ، هنرپرولتری" میکوشیم سهم خود را در گسترش ایده های پرولتاریا در هنر هنرا نقلاسی و در معرفی هنر خلقی و آداب و ادب ، ادا کنیم ، همچنانکه در راه بالایش این هنرا تحریفات و آلودگیهای رویزونیستی خواهیم کوشید . ما با گشودن این مفه در معدن نیمه کاره های اولیه برای بوجود آوردن امکانات مساعد جهت معرفی و رشد خلافتیهای هنری کارگران و نیروهای مترقی هم - پیمان آنان برداریم .



بیاد ارانی

بهمناسبت ۱۴ بهمن ماه، چهلمین سالگرد شهادت او

۱۴ بهمن مصادف است با چهلمین سالگرد شهادت رفیق دکتر ارانی. کدو زندان اسیدا در فاختی پس از سالها تحمل رنج و شکنجه در حالیکه همای جانگاہی او را از امیدها دیت رسید.

جون سرنی بزرگ
اسسا در فاختی
کل در در کلونس مراد
عمر دگری را

سانه رد

ارسان حذر بود
ارنه سرنی ارسان
کدا اسکوه سرت نما کرد
تا جون آفتاب

هموار کند

جاده های فردا را

ای سال سرج!

بجده سرنی بود

آما در درمات آهی ولای!

سرا لپای ما

سرا لپای واز کوه ما

امروز، اگر چه



موشای خانگی
کز کرده در پناه "دنیا"ی تو
برمشتی برآمده از آستین کار
چنگ می زدن
اما هنوز ،
این خلق مهربان ،

ایران

نام تو را

آواز می دهد بلند

سرا لپای ما

سرا لپای واز کوه ما

نشانه یک انقلاب

گذر کرده است

با شادکه صبح را ،

فردا شاد آوری

اول بهمن ۵۸

حمله به مجاهدین خلق
محکوم است

در ادا مه بر نامه های حساب شده با ندهای مرتجع و سیاہ دل، که هدف اساسی خود را حمله به نیروهای کمونیست و مجاهدین خلق قرار داده اند، با ندهای که از جانب سردمداران اجزای ارتجاعی شناخته شده تنفیه میگردند، با ردیکره مرکزها و دپزگی مجاهدین خلق حمله شد. علاوه بر این، این با ندهای ارتجاعی در جریان انتخابات هنگامیکه شمسار شاهنشاهی، مدنی، میلیونها تومان پول و تمامی امکانات رادیو و تلویزیون را برای تبلیغ خود بکار گرفته بود، زمانی که لیبرالهای فراری و بزدل، نظیر حبیبی و بنی مدرک در زمان شاه شاهن با استفاده از بورس اهدائی آقای احسان تراقی (دوست نزدیکان!) در آب و هوای خوش فرانسه مشغول گرفتن دکترای خود بودند، برای خودشان تاریخ و تسمید و "هجرت!!" می ساختند و آواز و تلویزیون به خورد مردم نا آگاه میدادند، به کارگران انقلابی، مجاهدین عباس عیسی، رابه شهادت رساندند، تنها به این جرم که چرا برای یک سازمان مترقی اعلامیه و تراکت پخش کرده و تبلیغ می کند!

زبان و اروپا نزدیک شوند، ایشان با رها به گسترش روابط با امپریالیسم زاپن اثار کرده اند در حالی که همه می دانیم شرکتها امپریالیستی زاپن و اروپا کلا تحت نفوذ انحصارات آمریکائی است، بنابراین شعار نه شوروی، نه آمریکائی آفتاب بنی مدرک عمل چه از آب درمی آید؟ وابستگی به امپریالیسم اروپا و آمریکا و زاپن! ملاحظه میشود که چگونه سخنان مجاهدین حقایق را لایو شانی می کند و نودها را که دور آنها گرد آمده اند نسبت بیک بورژوا - فرمیت دچا توهم می نماید. (کاریکه زمانی در مورد بازگشت کردند) آنها ذره ای به گذشته بنی مدرک و بهمن عمل کرده اند و سیا ستها بشن اثار نمی کنند، اما در عوض اظهار میدواری میکنند که بنی مدرک خط فداستعماری کاری بکنند، مگر به خود مجاهدین راه سرمایه داری به وابستگی ختم نمی شود؟ مگر خود این آقای بنی مدرک تا می خراشید و بیچیدن راه حل های سرمایه داری در کاغذ کا دو، به راه حل سرمایه داری معتقد نیست؟ پس چرا سخنان مجاهدین ذره ای در این باره حرف نمیزند؟ پس چرا به آقای بنی مدرک تنها یکی دو روز پس از انتخاب شدن بسمت ریاست جمهوری، طرح وحدت دو کشور ایران و ترکیه را پیش می کنند، حتی "انتقاد" نمی کنند؟ و سخن آخر اینکه، آیا کسی که در تمام یک سال گذشته به همراه لیبرالها و احیاناً امپریالیسم، عمل کرده است - منهای برخی مخالفتها و جزئی و عمدتاً مخالف خواهیها - میتواندا نظر سخنان مجاهدین، در راه سرمایه داری، فداستعماری، فداستعماری به خلق خدمت نماید؟

● ● ●

مجاهدین خلق چه انتظاری از آقای بنی صدر دارند؟

آقای بنی صدر در این مورد دارد؟! از دو حال خارج نیست یا سخنان مجاهدین نسبت به آقای بنی صدر دچار توهم است و یا معنی حق تعیین سرنوشت را درک نکرده است. مسئله دوم در تجربه ثابت شده است و همه سوده های آگاهها بدون شک مجاهدین چگونه در جریان تهاجم ارجاع به پیشفرایان چمران مزدور سکوت کردند و بعدا حتی برای توجیه بیشتر آنرا تئوریزه نیز کردند. در حالیکه چمران در واقع همان راه حل امپریالیستی را به اجرا درآورد که خود از آن یاد کردند و آن جنگ افروزی و سپس فروش اسلحه به ایران و تندید وابستگی از این طریق است. اما توهم سخنان مجاهدین نسبت به بنی مدرک حقیقت دارد تا توضیح بیشتر مسئله را روشن می کنیم:

یکی دیگر از تهاجم ارتجاعی آقای بنی صدر این است که هم آمریکا و هم شوروی بیک اندازه دشمن ما هستند! شاید خرافاتی های آقای بنی مدرک این مورد برای توده های نا آگاهها گول زننده باشد و آنها تصور کنند که آقای بنی مدرک می است و به وابستگی فکر نمی کند. اما واقعیت را اعمال خود آقای بنی مدرک نشان میدهد، منظور ایشان از شعار "نه آمریکا، نه شوروی" این است که به امپریالیسم

در جریان میسک روز چهارشنبه ۱۱/۱۰/۵۸ مجاهدین خلق که نسبت به آن گردیدند با مجاهدین حمله رمانی و مجاهدین عباس عیسی برگزار شد، مسووحوی صف سخنان خود، موضع مجاهدین را سردرغمال سی مدرا اعلام کرد، اظهار میدواری کرد که بنی مدرک به خط فداستعماری و وابستگی اسیدا و وداستعماری کاری انجام دهد، شکلی نیست که بنی مدرک و ستار مدنی تفاوت است، اولی یک بورژوا فرمیت است و دومی یک بورژوا - فاشیست، اما زمانی که مجاهدین بدرستی شمسار مدنی را افتامی کنند اما از بنی مدرک چنین انتظاری اتی دارند نشان میدهد که نمیتوانند ما هیئت بورژوازی را بدرستی درک کنند، لازم نیست راه دور برویم کافی است فقط به یکی دو مورد از نقطه نظرهای بنی مدرک اشاره کنیم:

بنی مدرک به چه برای ملیتها حق بعنوان حق تعیین سرنوشت و "خود مختاری" قائل نیست و تدبیرا نسبت به این مسئله کینه و راز است. ۱. مراجعه کنید به مقاله بیکار شماره ۴۰ در همین مورد و با توجه به اینکه یکی از پیراموهای اعلام شده مجاهدین شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملیتها ایرانی است، بنابراین سخنان مجاهدین چه انتظاری از

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست